

اتحادیه اروپا، ترکیه و تحول در حقوق فرهنگی کردهای ترکیه (۱۹۹۱-۲۰۰۲)

* دکتر حسین جمالی

** حسین خانی

چکیده

اتحادیه اروپا یکی از بازیگران مهم بین‌المللی در عرصه اقتصاد و سیاست است که برای کشورهای غیر عضو نیز دارای جاذبه است. این اتحادیه ضوابط و معیارهای خاصی را برای متقاضیان عضویت در نظر گرفته که تا حصول و تطابق با آن، تقاضای آنان پذیرفته نمی‌شود. از جمله معیارهای

* دکتر حسین جمالی استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران می‌باشد.
(hooseini.jamali@gmail.com)

** حسین خانی کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه مازندران می‌باشد.
(khani630@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۱/۲۱

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۸، صص ۵۷-۷.

سیاسی این موازین، ایجاد نهادهای باثبات توسط کشورهای متقاضی است که تضمین‌کننده دموکراسی، حکومت قانون و رعایت حقوق بشر باشند و به حقوق اقلیت‌ها نیز احترام بگذارند. از سوی دیگر، یکی از عمده‌ترین سیاست‌های ترکیه از بدو استقرار حکومت جمهوری در این کشور، گرایش و پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است. در راستای تحقق این هدف، ترکیه اقدام به تدوین یک برنامه ملی در جهت نیل به ضوابط عضویت نموده و به مرور زمان مقررات و قوانین کشور را با مقررات اتحادیه اروپایی منطبق می‌سازد. بر این اساس و در نتیجه اجرای برنامه یادشده، شاهد تحول در رعایت حقوق اقلیت‌ها و مخصوصاً حقوق فرهنگی کردهای این کشور طی سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۹۱ هستیم.

واژه‌های کلیدی: اتحادیه اروپا، ترکیه، حقوق فرهنگی، کردها.

مقدمه

ترکیه، به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی‌اش، محل سکونت و نشو و نماى اقوام و ادیان بسیاری بوده است. این کشور به لحاظ داشتن تنوعات قومی - دینی - مذهبی و اکثریت مسلمان و پیشقدم بودن در راه مدرنیزاسیون و همچنین دعوی دموکراسی و سکولاریسم در خاورمیانه، جهت مطالعه مسائل قومی و اقلیتی حائز اهمیت است. در میان اقلیت‌های ترکیه، کردها به دلایل مختلف، اهمیت زیادی دارند و تقابل آنها با دولت مرکزی طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی که حقوقی برای اقلیت‌ها به رسمیت نمی‌شناخت، مهم‌ترین چالش را برای حکومت ترکیه به ارمغان آورد.^(۱)

کردها یکی از اقوام آریایی هستند که قرن‌ها قبل از میلاد در مناطق غرب فلات ایران ساکن شده‌اند. کردها افرادی کوهستانی‌اند که اقتصادشان به طور عمده مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده و اصطلاح کردستان (تعبیری که در ترکیه رایج نیست و صرفاً در نشریات فعالان کرد دیده می‌شود) به منطقه کوهستانی اطلاق می‌شود که از جنوب شرق ترکیه آغاز و شمال عراق و مناطقی از غرب ایران و قسمت‌هایی از سوریه و ارمنستان را دربرمی‌گیرد.^(۲) جمعیت کردها در ترکیه حدود ۱۲ تا ۱۵ میلیون نفر است^(۳) و دارای زبانی از شاخه هند و اروپایی بوده که همانند فارسی، جزء زبان‌های ایران قدیم است. بیشتر کردها مسلمان بوده و سنی‌مذهب هستند؛ البته در میان کردها مذهب تشیع نیز پیروانی دارد ولی غالب آنها سنی‌مذهب و پیرو فقه شافعی هستند.

از سوی دیگر، یکی از عمده‌ترین سیاست‌های ترکیه از بدو استقرار حکومت جمهوری در این کشور و روی کار آمدن مصطفی کمال آتاتورک، تلاش برای

پیوستن به جهان غرب بوده است. کوشش دولتمردان ترک طی چند دهه گذشته برای الحاق به اروپا و ورود به جامعه اروپایی در راستای رسیدن به این هدف ارزیابی می‌گردد. در چهارچوب این سیاست، ترکیه در تمام سازمان‌های بین‌المللی که در اروپا تأسیس شده مانند ناتو، شورای اروپا، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و... شرکت کرده است. از نظر سیاسی و نظامی، عضویت ترکیه در ناتو از سال ۱۹۵۲ این کشور را در مدار روند سیاسی - نظامی غرب و دیوار جدایی و ابزار کاربرد سیاست «جلوگیری از نفوذ کمونیسم» درآورد. ارتباط ترکیه با اتحادیه اروپا و پیش از آن «جامعه اقتصادی اروپا» به تاریخ تشکیل آن جامعه برمی‌گردد که به عنوان «عضو وابسته» جامعه اقتصادی اروپا درآمده بود.^(۴)

اتحادیه اروپا به عنوان یکی از بازیگران مهم بین‌المللی در عرصه اقتصاد و سیاست، چه در دو دهه آخر قرن بیستم میلادی و چه هم‌اکنون در آستانه قرن بیست و یکم، مطرح می‌باشد. این امر مرهون اقدامات گام‌به‌گام و مشارکت فعال و جدی همه کشورهای اروپای غربی، طی ۵۰ سال گذشته برای دستیابی به یک وحدت نسبی و معتبر است. اندیشه همگرایی اروپا، به سال‌های بسیار دور بازمی‌گردد. نگاهی به تاریخ اروپا از زمان رومی‌ها تا عصر شارلمانی و ناپلئون تا قرن نوزدهم میلادی، نمایانگر توانایی همیشگی اروپا برای تبدیل به یک اروپای یکپارچه و واحد است. طی چند دهه گذشته، قاره اروپا شاهد گام‌هایی بلند و استوار برای اتحاد و وحدت بوده است. این تحرکات، ریشه در عوامل و ویژگی‌هایی دارند که طی تاریخ، موجب استقبال مردم و حاکمان این قاره از اندیشه و در نهایت پروژه اروپای واحد شده‌اند. این عوامل و ویژگی‌ها عبارتند از:

اشتراک نسبی در فرهنگ: شامل دین، زبان، هنر، ادبیات و نوع نگرش نسبت به مسائل انسانی از جمله حقوق بشر؛

اشتراک در اقتصاد: به طور نمونه، سیستم فئودالیتیه در ۱۴ قرن، سرمایه‌داری صنعتی در قرون اخیر و تأکید بر اقتصاد آزاد یا اقتصاد بازار در حال حاضر؛

اشتراک در نظام‌های سیاسی: امپراتوری، سلطنتی، پارلمانی و لیبرال‌دموکراسی. با توجه به این ویژگی‌ها، می‌توان نتیجه گرفت هرگونه وحدتی بدون در نظر گرفتن این پارامترها، منجر به شکست خواهد شد. این پدیده، همان موردی بود که

نایپلئون و هیتلر آن را تجربه کردند و نخبگان سیاسی - فکری اروپا از آنها به درستی درس گرفتند. بر همین مبنا، از هنگام پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، اروپاییان به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی به یک وحدت نسبی، باید با توجه به مشترکات موجود و ضرورت‌های زمانه حرکت کنند. لذا این بار با استفاده از عقل و استدلال به مطالعه ضرورت‌ها پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اولاً، محور نیروی نظامی آلمان و ادغام آن در داخل یک اقتصاد مشترک قوی اروپایی، لازم است (اندیشه پان‌اروپاییسم)؛ ثانیاً، نگهداری شوروی در مرزهای موجود و جلوگیری از گسترش کمونیسم، از دیگر مواردی است که همکاری با ایالات متحده آمریکا را می‌طلبد (اندیشه آتلانتیسیسم). نهضت آتلانتیسیسم که مشعر به همکاری اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا با اروپای غربی بود، به عنوان روند مسلط و کارساز در صحنه سیاسی قاره ظاهر شد.^(۵)

بدین ترتیب، واکنش و نگرش اتحادیه اروپا به درخواست ترکیه برای عضویت نیز قابل بررسی و مطالعه است. این اتحادیه ضوابط و معیارهای خاصی را برای متقاضیان عضویت در نظر گرفته که تا حصول و تطابق با آن، تقاضای آنان پذیرفته نمی‌شود. در نشست کپنهاگ، شورای اروپایی تصمیم مشخص و واضحی را ارائه نمود، مبنی بر اینکه «الحاق در اتحادیه اروپایی برای یک متقاضی عضویتی که قادر باشد شرایط لازم عضویت را قبول کرده و به حد مطلوب وضعیت اقتصادی و سیاسی برسد، به زودی محقق خواهد شد».^(۶) از جمله معیارهای سیاسی این موازن ایجاد نهادهای باثبات توسط کشورهای متقاضی است که تضمین‌کننده دموکراسی، حکومت قانون و رعایت حقوق بشر باشند و به حقوق اقلیت‌ها احترام بگذارند.

کشورهای متقاضی عضویت نیز در قبال این راهبرد اتحادیه، به دنبال اجرای ضوابط و تطبیق قوانین و مقررات خود با معیارهای مذکور هستند. ترکیه نیز همانند دیگر کشورها از این مورد مستثنی نیست. این کشور اقدام به تدوین یک برنامه ملی در جهت نیل به ضوابط عضویت نموده و به مرور زمان مقررات و قوانین کشور را با مقررات اتحادیه اروپایی منطبق می‌سازد.^(۷)

بدین ترتیب، مسئله‌ای که در اینجا حائز اهمیت زیادی است توضیح علت ارتقا

و تحول در حقوق فرهنگی اکراد ترکیه طی دهه ۹۰ است. با توجه به اینکه از زمان شکل‌گیری ترکیه تاکنون، کردها عمدتاً تحت فشارهای سیاسی و نظامی دولت ترکیه بوده‌اند، چرا از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۲، با به رسمیت شناختن ضمنی هویت قومی کردها، به آنها اجازه داده تا به سطح بالاتری از حقوق فرهنگی دست پیدا کنند؟ هرچند در پاسخ می‌توان به عواملی مانند روند جهانی شدن دموکراسی، نوسازی داخلی ترکیه، نقش نخبگان ترکیه و... اشاره کرد اما فرضیه مقاله مدعی است در اثر همگرایی ترکیه با اتحادیه اروپا و به دلیل پیگیری خواسته‌ها و اهداف اقتصادی، فشارهای اتحادیه اروپا از حوزه اقتصادی به سایر حوزه‌ها از جمله مسائل حقوق اقلیت‌ها نیز تسری پیدا کرده و سبب ارتقا و تحول در حقوق اقلیت‌گرد ترکیه شده است. بر این اساس، در دهه ۹۰ شاهد نوعی تساهل اعلام‌نشده نسبت به فعالیت قومی (در سطح فرهنگی) هستیم. گرچه بازهم وجه غالب تعامل دولت متوجه سرکوب نظامی P.K.K است، اما با لغو برخی قوانین و اعطای برخی آزادی‌ها (به صورت تساهل و عدم اجرای برخی قوانین سختگیرانه)، زمینه انصراف از مبارزات مسلحانه و خشونت‌آمیز به دموکراتیک نیز فراهم شده است.

پیشینه

پیرامون موضوع مورد پژوهش، به صورت مستقل مطلبی یافت نمی‌شود که به رشته تحریر در آمده باشد. بیشتر آنها حول محور ایدئولوژی کمالیسم، ناسیونالیسم ترک و واکنش‌هایی است که از سوی سایر اقلیت‌های قومی - زبانی بالاخص کردها صورت گرفته است. برای نمونه پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل کامیل کریمیان با عنوان «دکترین کمالیسم و حرکت‌های ناسیونالیستی کردها در ترکیه» پس از ارائه تصویری از وضعیت جامعه‌شناختی کردها در قبل و پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و اشاره به برخی قیام‌های آنها در زمان امپراتوری عثمانی یا پس از آن در دوران کمال آتاتورک که تمام آنها سرکوب شدند، به اوضاع سیاسی ترکیه پس از جنگ جهانی دوم می‌پردازد. نویسنده در ادامه به دهه ۶۰ میلادی که در اثر رواج گرایش‌های چپ در این کشور، احزاب و اپوزیسیون‌های مختلفی در برابر کمالیسم شکل گرفتند پرداخته و در نهایت با تأکید بر مبارزات P.K.K از مبارزات

نظامی تا پروسه صلح آنها پس از دستگیری *اوجلان* رهبر این حزب را بررسی می‌کند.^(۸)

محمدعلی قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت بحران قومی در ترکیه؛ با تأکید بر مورد پ. کا. کا» نیز به رویکرد دولت‌های ترکیه در سال‌های پایانی قرن بیستم نسبت به حل مناقشه کردها در ابعاد سیاسی، اقتصادی، حقوقی با تأکید بر بُعد نظامی در دو سطح داخلی و خارجی پرداخته است.^(۹) همچنین میرقاسم بنی هاشمی در مقاله‌ای تحت عنوان «رژیم‌های جهانی و تحول جایگاه جنبش‌های قومی» در شماره ۲۳ فصلنامه مطالعات راهبردی، ضمن پرداختن به گسترش جهانی رژیم‌های فراملی و بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم مانند تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۶۶، و تفسیر موسع شورای امنیت از مفاد منشور سازمان ملل در خصوص صلح و نظم بین‌المللی، به همراه رشد فزاینده سازمان‌های غیردولتی فراملی و داخلی که به حقوق بشر به‌ویژه حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی اختصاص یافته‌اند، معتقد است تحول در فراگیری ارزش‌های دموکراتیک به عنوان یکی از مهم‌ترین پیامدهای فرایند جهانی شدن در دهه‌های پایانی قرن بیستم، به معنای تضعیف اراده معطوف به سرکوب اقلیت‌های قومی و در نتیجه ارتقای جایگاه جنبش‌های قومی در محیط ملی و بین‌المللی است.^(۱۰)

زهرا نوع پرست نیز در مقاله «ترکیه و اتحادیه اروپا: دودستگی آرا» در شماره ۲۰۹-۲۱۰ مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، با مرور سابقه تاریخی اندیشه اروپایی در ترکیه پس از استقرار دولت جمهوری این کشور و انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی و حقوقی به‌ویژه طی سال‌های ۱۹۹۹ تا اوت ۲۰۰۲ به بررسی استدلال‌های طرفداران و مخالفان پیوستن ترکیه به اتحادیه پرداخته است.^(۱۱) جواد انصاری نیز در کتاب ترکیه در جست‌وجوی نقشی تازه در منطقه ضمن بررسی جایگاه این کشور در منطقه پس از ذکر تاریخچه و جغرافیای آن به مسائل داخلی‌اش مانند مسئله کردها و قبرس اشاره نموده و این دو مورد را از مشکلات عمده ترکیه در منطقه برمی‌شمارد. انصاری در پایان بر این باور است که ترکیه برای حل مشکلات منطقه‌ای خود، روابط با همسایگان و اروپا ابتدا باید راه‌حلی برای مسئله کردها اتخاذ کند.^(۱۲) رابرت اولسون در کتاب مسئله کرد و روابط ایران و

ترکیه با ترجمه ابراهیم یونسی نیز پس از طرح مباحث تئوریک مسئله کردها، معتقد است یکی از مشکلات ترکیه در برابر اروپا مسئله کردهاست. سایر نوشته‌های فارسی نیز به بررسی چگونگی شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی کرد در مناطق کردنشین ترکیه و مبارزات آنها پرداخته‌اند.

بخش دیگری از ادبیات به نوشته‌هایی مربوط می‌شود که توسط نویسندگان خارجی نگاشته و به زبان‌های ترکی و عموماً انگلیسی انتشار یافته‌اند. این نوع آثار نیز به دو بخش کلی تقسیم می‌شوند که یا به طور عموم درباره اقلیت‌های دینی - مذهبی هستند یا درباره اقلیت‌های قومی به‌ویژه کردی؛ اما این کتاب‌ها و مقالات نیز به صورت ضمنی به ارتقای حقوق فرهنگی افراد ترکیه پرداخته‌اند که در اثر تحولات جهانی مانند فروپاشی شوروی و به‌ویژه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا مطرح می‌شود.

نیگار کریمووا و ادوارد دورل در کتاب اقلیت‌های ترکیه^(۱۳)؛ دیوید شنکلند در کتاب اقلیت‌های علوی و حکومت عرفی در ترکیه^(۱۵) و مایکل روبین در مقاله «آیا کردها یک اقلیت مطرود (pariah) هستند؟»^(۱۶) بیشتر به بحث اقلیت‌های مذهبی و دینی در ترکیه پرداخته و با اشاره به معاهده لوزان نسبت به آزادی آنها در انجام مسائل فرهنگی - زبانی و قومی خود در این کشور اشاره دارند.

از سوی دیگر آثاری مانند نژاد کردها: هویت‌های درونزا، دموکراتیزاسیون ترکیه و الحاق به اروپا از مورات سومر^(۱۷)؛ ظهور و سقوط P.K.K از میشل رادو^(۱۸) و یا کتاب‌هایی مانند ترکیه؛ مواجهه با هزاره جدید از آمیکام ناخمانی^(۱۹) و مقاله ترکی زبان «شکست زود هنگام طرح بازگرداندن به آغوش جامعه» نیز به سیر تحولات جامعه ترکیه در زمینه‌سازی و شکل‌گیری P.K.K تا دستگیری رهبر آن و درخواست عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا و رعایت استانداردهای حقوق بشری اروپا تحت موازین کپنهاگ، مدیریت منازعه و بحران P.K.K در دو سطح داخلی و خارجی از جمله اجرای قانون عفو عمومی و طرح بازگرداندن به آغوش جامعه را می‌توان نام برد. همچنین اس. توگان و وی. ان. بالاسوبرامانیم در کتاب ترکیه و کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در گذر پیوستن به اتحادیه اروپایی به بررسی و مقایسه وضعیت اقتصادی ترکیه با کشورهای اروپای شرقی که متقاضی عضویت

در اتحادیه می‌باشند پرداخته و به معیارهای لازم اقتصادی جهت اخذ عضویت در اتحادیه، اشاره شده است.^(۲۰)

در مجموع می‌توان گفت هر یک از این آثار دارای ابعاد مثبتی هستند و به روشن شدن جنبه‌هایی از علل تحول در این حقوق کمک می‌کنند اما در منابع موجود، تبیین احیا و ارتقای حقوق فرهنگی افراد ترکیه به طور خاص هدف نویسندگان نبوده و بیشتر به تحلیل‌های تاریخی در شکل‌گیری جنبش‌های کردی و زمینه‌های داخلی مؤثر در این مبارزات یا تأثیر تحولات منطقه‌ای مانند الحاق ترکیه به اروپا آن هم به شکل کلی پرداخته شده است. از این رو، اگر بررسی علل و عوامل مؤثر در تجدید حیات حقوق فرهنگی افراد ترکیه مبنای ارزیابی مطالعات انجام‌شده قرار گیرد، متوجه خواهیم شد در این زمینه تا اندازه زیادی خلأ جدی وجود دارد. پژوهش حاضر، تلاشی برای پر کردن این خلأهای فکری و مطالعاتی است.

۱. تمهیدات نظری

الف - اندیشه همگرایی

اندیشه همگرایی چه در چهارچوب تفکر فدرالیسم، سوسیالیسم و نهضتی که در یکی دو دهه اخیر تحت عنوان منطقه‌گرایی^۱ نضج گرفته، همه در جهت تحقق آرمان وحدت سیاسی جوامع معاصر است. اندیشمندان معاصر که روی موضوع وحدت سیاسی تعمق کرده‌اند، غالباً از اصول بنیادین «کارکردگرایی»^۲ الهام گرفته‌اند. کارکردگرایان با اعتقاد به این حقیقت تلخ که جنگ و خونریزی و تخاصم مستمر نتیجه مستقیم روابط و نظام غیرعادلانه بین‌المللی است، انگشت روی تأسیسات و باورهای پذیرفته‌شده‌ای مانند حکومت ملی‌گرایی، انحصارطلبی و سایر اشکال جدایی و تجزیه ملت‌ها گذارده و نارسایی‌ها و اختلافات بین ملل را ناشی از آن می‌دانند. از دیدگاه این گروه، سیستم دولت‌های ملی، زیاده از حد بغرنج و تخصصی شده و نیاز به همکاری متقابل فنی بین‌المللی را افزایش داده است. کارکردگرایی به عنوان فلسفه کارسازی معرفی شده که به تدریج به پیدایش

1. Regionalism
2. Functionalism

جهانی صلح‌آمیز، متحد و مشارکت‌آمیز منجر خواهد شد. استراتژی کارکردگرایی روی ایجاد تدریجی سازمان‌های غیرسیاسی و مشارکت‌آمیز تأکید دارد، سازمان‌هایی که در بخش‌های اقتصادی، فنی، علمی، اجتماعی و فرهنگی از بیشترین کارایی برخوردارند. دولت‌ها نیز به دلیل برخورداری از منافع عضویت در این سازمان‌ها و عدم تحدید حاکمیت ملی‌شان با رشد چنین سازمان‌های کارکردی (محدود در بخش‌هایی نظیر تولید و توزیع انرژی، کنترل حمل‌ونقل و ارتباطات، اتحادیه‌های گمرکی و مراقبت‌های پزشکی) مخالفت نخواهند کرد.

گسترش مداوم سازمان‌های کارکردی به عرصه‌های هرچه وسیع‌تری از فعالیت‌های بشری احتمالاً به تسری یا پیشروی افقی - عمودی می‌انجامد. برای مثال، اگر دست زدن به فعالیت بین‌المللی مشارکت‌آمیز در زمینه تولید ذغال و فولاد، منافع متقابلی به بار آورد، این امر دولت‌های شرکت‌کننده را به انجام فعالیت‌های مشارکت‌آمیزی در حوزه‌های کارکردی مرتبط نظیر حمل‌ونقل، کنترل محیط زیست و قانون کار تشویق می‌کند. کارکردگرایان اساساً روی ابعاد مشارکت‌آمیز فعالیت‌های بین‌المللی تأکید کرده و از ابعاد منازعه‌آمیز آن طفره می‌روند، زیرا آنها به جهان بر اساس سیاست همکاری و عقلانیت می‌نگرند، نه بر اساس سیاست منازعه و عقلانیت‌گریزی.^(۳۱)

محققان معاصر معطوف به همگرایی سیاسی از لحاظ فکری به مفهوم کارکردگرایی بسیار مدیون هستند. دیوید میترا نی^۱ در رابطه با کارکردگرایی از جایگاهی اساسی برخوردار بوده و نوشته‌هایش بر نظریه‌پردازان بعدی همگرایی تأثیر زیادی داشته است. وی استدلال می‌کند پیچیدگی فزاینده نظام‌های حکومتی، وظایف اساساً فنی و غیرسیاسی حکومت‌ها را بسیار افزایش داده، به طوری که نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی نیز به متخصصان کارآزموده نیاز است. به عبارت دیگر، برای حل مسائل فنی، همکاری فن‌شناسان لازم است نه نخبگان سیاسی. نظریه میترا نی متضمن نوعی اصل «انشعاب»^۲ است که بر اساس آن توسعه همکاری در یک حوزه فنی به ظهور رفتار مشابهی در سایر حوزه‌های فنی منجر

1. David Mitrany
2. Ramification

می‌شود. برای مثال، تلاش برای ایجاد یک بازار مشترک سبب اعمال فشار برای همکاری بیشتر در زمینه سیاست‌های مربوط به قیمت‌گذاری، سرمایه‌گذاری، حمل‌ونقل، بیمه، مالیات، دستمزدها، تأمین اجتماعی، بانکداری و مسائل پولی می‌شود. میترانی بر این باور بود که فعالیت‌های کارکردی می‌توانند به فعالیت‌های بین‌المللی جهت‌گیری بخشیده و صلح جهانی را تقویت کنند.^(۲۲)

نظریه پردازان روابط بین‌الملل با الهام از کارکردگرایی به طور نسبتاً مفصلی به مطالعه تجربه اخیر اروپای غربی پرداخته و برای اشاره به وحدت سیاسی واحدهای ملی مجزا چه به عنوان یک فرایند یا مرحله نهایی، واژه همگرایی را به کار برده‌اند.

با توجه به روش‌ها و رویکردهایی که در زمینه همگرایی بین‌المللی وجود دارد، در سطح نظری نه تنها اختلاف‌های چندی بلکه مکتب‌های فکری متفاوتی نیز به چشم می‌خورد. بر این اساس سه مکتب فکری در همگرایی قابل تشخیص است:

مکتب فدرالیسم، همگرایی را نه یک فرایند بلکه مرحله‌ای قطعی و نهایی می‌داند. در این فرصت نوعی اتحاد سیاسی بین واحدهایی پدیدار می‌شود که قبلاً از حاکمیت برخوردار بوده‌اند. مانند ایالت‌های امریکا و کانتون‌های سوئیس.

دومین مکتب فکری، ارتباطات را مهم‌ترین عنصر همگرایی می‌داند. بر این مبنا فرایند همگرایی بر اساس جریان مبادلات بین‌المللی مانند تجارت، جهانگردی، مکاتبات و مهاجرت سنجیده و پیش‌بینی می‌شود که در نهایت به پیدایش جوامع امنیتی یا نظام‌های اجتماعی - سیاسی یکپارچه‌ای منتهی شود، در این مورد کارل دوویچ دو نوع جامعه امنیتی را از یکدیگر تفکیک می‌کند؛^(۲۳)

الف - جوامع امنیتی ادغام‌شده مانند ایالات متحده امریکا

ب - جوامع امنیتی کثرت‌گرا مانند اتحادیه اروپا

جوامع امنیتی کثرت‌گرا از هیچ مرجع سیاسی مرکزی برخوردار نیست اما واحدهای ملی که این جوامع را تشکیل می‌دهند، بروز جنگ بین خود را نامحتمل دانسته و در نتیجه به تحکیم مرزهای خود دست نمی‌زنند. جوامع امنیتی کثرت‌گرا معمولاً نواحی گسترده‌ای را دربرمی‌گیرند. بر اساس نظریه ارتباطات، همگرایی را

می‌توان فرایندی تلقی کرد که به وحدت سیاسی می‌انجامد و هم می‌توان آن را حاصل یا مرحله نهایی این فرایند به حساب آورد.

سومین مکتب فکری، متعلق به اندیشمندان نوکارکردگراست که برای دستیابی به همگرایی بر تصمیم‌های مشارکت‌آمیز و گرایش‌های نخبگان تأکید می‌کنند. آنها با استفاده از روش پیمایشی (پرسشنامه و مصاحبه) کوشیده‌اند شدت ملی‌گرایی و بین‌المللی‌گرایی گروه‌های نخبه کشورهای مختلف را ارزیابی کنند.^(۳۴)

این نوشتار با توجه به تئوری کارکردگرایی، بر ابعاد مشارکت‌آمیز فعالیت‌های بین‌المللی و تأکید بر ایجاد تدریجی سازمان‌های غیرسیاسی و مشارکت‌آمیز ابتدا یافته است. به عبارت دیگر، گسترش مداوم سازمان‌های کارکردی به عرصه‌های هرچه وسیع‌تر از فعالیت‌های بشری، احتمالاً به تسری یا پیشروی افقی - عمودی می‌انجامد. بر این اساس می‌توان نمودار زیر را ترسیم نموده و در نظر گرفت:



ب - بررسی مؤلفه‌های حقوق فرهنگی

شهروندی در اصل به معنای عضویت سیاسی در یک دولت - ملت خاص بوده و در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. در قالب این تعریف سیاسی،

امکان طرح رویکردهای مختلف وجود داشته است. شرایط بحث درباره شهروندی بعد از سال ۱۹۴۵، با تحلیل‌های جامعه‌شناختی تی. اچ. مارشال^۱ دچار دگرگونی شد. وی به تفکیک سه نوع حقوق شهروندی (سیاسی، اجتماعی و مدنی) که در یک توالی تاریخی توسعه یافته‌اند می‌پردازد. اما دو حوزه دیگر یعنی حقوق جنسی و حقوق فرهنگی نیز در این میان قابل شناختن و بررسی هستند.^(۲۵)

گروه‌های قومی به عنوان یکی از بازیگران فراملی^۲، اهمیت فزاینده‌ای در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی پیدا کرده‌اند. گروه‌های قومی می‌توانند مشروعیت دولت‌ها را زیر سؤال برده، به اقداماتی فراتر از مرزهای رسمی دست یازند و با برخورداری از حمایت‌های بین‌المللی، توجه قدرت‌های خارجی را جلب کنند. چنین اقداماتی هرچند موجب سرنگونی دولت‌ها نمی‌شوند اما می‌توانند تغییرات قابل توجهی در سیاست‌های داخلی به وجود آورده و اسلوب^۳ روابط بین‌المللی را دگرگون کنند.^(۲۶)

همان‌طور که پیشتر گفته شد، قوم‌گرد ترکیه در زمینه مذهب (سنی، علوی)، زبان (کرمانجی، زازا، سورانی) و خاستگاه قبیله‌ای، متنوع هستند اما پس از ترک‌ها بزرگ‌ترین قومیت در این کشور را تشکیل می‌دهند.^(۲۷) هرچند آنها وجوه تشابهی با ترک‌ها دارند اما بر تفاوت‌هایشان نیز پافشاری می‌کنند. برخی کردها بیشتر بر حقوق فرهنگی خود پافشاری می‌کنند تا مسائل اقتصادی؛ به عقیده این دسته، کردها از لحاظ فرهنگی مطرود هستند و احقاق حقوق آنها در حوزه فرهنگی برای بهبود اوضاع اقتصادی‌شان امر اجتناب‌ناپذیری است.^(۲۸)

حقوق فرهنگی (در اینجا با تأکید بر قوم کرد) دارای شاخصه‌های زیر است:

- ❖ حق حفاظت از زبان به عنوان نماد فرهنگ؛
- ❖ حق داشتن سنت‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت (در داخل چهارچوب عمومی قانونی)؛
- ❖ برابری آموزشی (انتشارکتاب، مطبوعات، تأسیس مراکز علمی و پخش

1. T. H. Marshal
2. Transnational
3. Structure

برنامه‌های رادیویی - تلویزیونی به زبان هر قوم خاص)؛

❖ حق داشتن ارتباطات بین فرهنگی و بین‌المللی.^(۲۹)

در این تحقیق بیشترین تأکید بر حفظ زبان به عنوان نماد حقوق و هویت فرهنگی در نظر گرفته شده است.

۲. ترکیه و اتحادیه اروپا

کشورهایی که نسبت به عضویت در سازمان‌های مختلف منطقه‌ای و جهانی از خود تمایل نشان می‌دهند به دنبال کسب موقعیت بهتری در این دو سطح هستند تا با همگرایی با سایر کشورها بتوانند رفاه و آسایش را برای مردمان خود فراهم نمایند و نیازهای اساسی آنها را برآورده کرده، به صلح و آرامش منطقه مربوط به خود و سایر مناطق کمک کنند. در همین راستا همگرایی منطقه‌ای اصولاً برای کاهش منازعات و افزایش سطح روابط کشورها برای رشد و ترقی در زمینه‌های اقتصادی، فنی، اجتماعی، علمی و فرهنگی است. چنین همگرایی یک وضعیت خاص سیاسی یا فرایندی تلقی می‌شود که در آن وفاداری‌های ملی به سطحی فراملی در بُعد منطقه‌ای و حتی جهانی تبدیل می‌شود.^(۳۰)

بنابراین یکی از مؤلفه‌های مهم همگرایی منطقه‌ای، قرابت جغرافیایی کشورهای واقع در یک منطقه است که طبعاً دارای یکسری مسائل مشترک هستند و تأمین بخشی از منافع آنها در گرو رفع این مشکلات و مسائل است. نیل به این هدف نیازمند اقدام جمعی و همکاری است.

الف - علل همگرایی

دیدگاه این پژوهش در همگرایی ترکیه نسبت به اروپا دیدگاهی مبتنی بر وجود ایدئولوژی‌های مختلف مانند لائیک‌ها، روشنفکران، توده مردم یا اسلام‌گرایان در آن کشور نیست، بلکه منظور کشوری است با حاکمیت مستقل که در جهت منافع ملی گام برداشته و به دنبال عضویت در اتحادیه اروپایی است. بر این اساس، در این نوشتار عوامل جامعه‌شناسانه مانند نگرش کمالیست‌ها جهت تکمیل پروژه تمدنی آتاتورک، اسلام‌گرایان جهت ایجاد دموکراسی آزاد از قید نظامیان اتوریتر، روشنفکران به منظور تقویت پویایی‌های داخلی به منظور ارتقای دموکراتیزاسیون، و

یا توده مردم نسبت به ایجاد منافع اقتصادی حاصل از گردش آزاد سرمایه و کار، مطمح نظر نیست. باین وجود، تلاش ترکیه برای ورود به اتحادیه اروپایی در پی انگیزه‌ها و عللی صورت می‌گیرد که عمدتاً می‌توان آنها را به سه بخش کلی «جغرافیایی - تاریخی»، «سیاسی» و «اقتصادی» تقسیم نمود.

۱. زمینه‌های تاریخی - جغرافیایی

این زمینه‌ها از بدو تأسیس امپراتوری عثمانی و فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ وجود داشته و در عصر اصلاحات و نهضت ترکان جوان ادامه یافته است. در این میان نقش و جایگاه دولتمردان ترکیه به‌ویژه آتاتورک اهمیت بسزایی دارد. این دیدگاه در طبقه حاکمه نیز دیده می‌شود. آنان چنین می‌پندارند که ترکیه دارای هویتی اروپایی بوده و جزئی از اروپاست که از اصل خود جدا شده و سرانجام باید به اصل خود بازگردد! سفیر ترکیه در همین زمینه طی مقاله‌ای در سنگاپور چنین می‌نویسد: «ترکیه خلف امپراتوری‌های بیزانس و روم شرقی است و حس منطقی تمایل به غرب و احساس مشترک به اروپا متأثر از مؤسسه و نهادهای بیزانسی است که در حکومت‌های امپراتوری عثمانی و جمهوری جدید تجلی یافته است.^(۳۱) سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور پیشین ترکیه نیز در این باره چنین می‌گوید: «ما بخشی از اروپا و یک عضو وابسته به اروپا هستیم».^(۳۲)

بنابراین می‌توان پذیرفت تلاش سیاست‌گذاران ترکیه از دهه ۶۰ تاکنون جهت ورود به «بازار مشترک اروپا» در واقع تجلی گرایش فوق بوده است. به‌طوری‌که، اندکی پس از تشکیل «بازار مشترک اروپا» توسط شش کشور اروپایی در سال ۱۹۵۷، ترکیه در سال ۱۹۵۹ خواستار عضویت در این جامعه شد.

ترک‌ها عقیده دارند با توجه به اینکه این کشور در نقطه تماس و ارتباط بین دو قاره آسیا و اروپا قرار دارد، از موقعیت استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است. ترکیه در نقطه اتصال خاورمیانه و قفقاز قرار دارد؛ بر این اساس مقامات ترکیه هنگام تشریح موقعیت ویژه کشورشان از لفظ «پل» و دروازه اروپا استفاده کرده و می‌گویند: «ترکیه پلی است بین شرق و غرب و اروپا و خاورمیانه». تورگوت اوزال رئیس‌جمهور فقید ترکیه نیز در خصوص نقش کشورش میان کشورهای اروپایی و

کشورهای اسلامی چنین می‌گویند: «ما یک پل مادی و هم معنوی بین شرق و غرب خواهیم بود».^(۳۳) این کشور در دوران جنگ سرد و پس از آن در چهارچوب پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) توانسته نقش خود را همچنان حفظ کند. بنابراین ترکیه با داشتن موقعیت استراتژیک مهم در چهارچوب تقسیم دفاع از اروپای غربی و ناتو، وظیفه خطیری را به منظور امنیت اتحاد غربی به عهده گرفته است. از این رو ترکیه می‌تواند در چهارچوب استراتژی‌های نظامی به همکاری خود با اروپا ادامه دهد؛ از آنجاکه وحدت سیاسی و نظامی اروپا جدا از وحدت اقتصادی آن قابل تصور نیست، معقول آن است که نقش سیاسی و نظامی ترکیه به زمینه‌های اقتصادی نیز گسترش یابد.

۲. انگیزه‌های سیاسی

یکی از عوامل مهم در جهت‌گیری سیاسی ترکیه و انگیزه‌های سیاسی دولتمردان ترکیه جهت عضویت کامل در جامعه اقتصادی اروپا، تلاش برای ایجاد موازنه در مقابل یونان در صحنه بین‌الملل و در روابط خارجی این کشور با اروپا بوده است. با توجه به اینکه یونان در ۱۹۵۸ درخواست عضویت در اتحادیه اروپایی را نمود و در سال ۱۹۸۱ نیز به عضویت کامل پذیرفته شد، ترکیه نیز سعی کرد در نخستین فرصت به اتحادیه اروپایی ملحق شود.^(۳۴)

۳. ملاحظات اقتصادی

جمهوری ترکیه بر میراث اجتماعی و اقتصادی امپراتوری عثمانی بنیان نهاده شده است. زمانی جمهوری ترکیه پا به عرصه «تاریخ جهانی» نهاد که به کلی از وسایل اقتصادی امپراتوری بهره‌ای نداشت، زیرا دیگر از منابع اقتصادی ملل تحت سلطه‌اش که استقلال خود را به دست آورده بودند، خبری نبود. بنابراین، هدف دیگر ترکیه از ورود به جرگه کشورهای اروپایی از طریق اتحادیه اروپایی، حل معضلات اقتصادی این کشور است. در این راستا، جمهوری ترکیه به اهداف اقتصادی ذیل چشم دوخته است:

۱. فراهم شدن زمینه‌های لازم جهت سرمایه‌گذاری اروپا در ترکیه و بهبود

امکانات صنعتی این کشور؛

۲. دسترسی به بازار در حال رشد اروپا که سبب دسترسی به استانداردهای اروپا جهت تولید مشترک کالا می‌شود.^(۳۵)

ب - روابط اقتصادی ترکیه و اتحادیه اروپایی

در جولای ۱۹۵۹ میلادی یعنی اندکی پس از ایجاد جامعه اقتصادی اروپا، ترکیه اولین درخواست خود را برای عضویت به آن جامعه تقدیم نمود. پاسخ جامعه اقتصادی اروپا به درخواست ترکیه، پیشنهاد ایجاد یک شورا بود که طی آن بتوان شرایط الحاق ترکیه را به آن تسهیل نمود. در نتیجه ادامه مذاکرات بین ترکیه و جامعه اقتصادی اروپا، قراردادی تحت عنوان «موافقتنامه آنکارا» در ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۳ میلادی متشکل از یک پروتکل موقت و یک پروتکل مالی به امضای طرفین رسید که به موجب آن جامعه اروپا، ترکیه را به عنوان «عضو مشترک» پذیرفت.^(۳۶) این موافقتنامه که از اول دسامبر ۱۹۶۴ قابل اجرا بود، به عضویت کامل ترکیه در جامعه اقتصادی اروپا کمک نموده و ضمن آن اتحادیه‌ای گمرکی و نوعی همگرایی بین ترکیه و آن جامعه ایجاد می‌کرد.

همان‌طور که گفته شد در فاصله کوتاهی پس از تأسیس جامعه اقتصادی اروپا، ترکیه تقاضای عضویت در آن را نمود. اما نظر به عدم آمادگی این کشور به لحاظ سیاسی و اقتصادی جهت ورود به این جامعه، با امضای موافقتنامه آنکارا که به موافقتنامه مشارکت^۱ نیز معروف است، رابطه «مشارکت» بین ترکیه و جامعه اروپایی آغاز شد. موافقتنامه مزبور که نقطه عطفی در روابط ترکیه و بازار مشترک اروپا محسوب می‌شود طی چند دهه بر روابط طرفین حاکم بوده است.

در موافقتنامه آنکارا که به امضای وزیر امور خارجه وقت ترکیه از یک طرف و وزرای خارجه شش کشور عضو جامعه اروپایی از طرف دیگر رسید، سه مرحله قبل از ورود ترکیه به جامعه پیش‌بینی شده است: مرحله مقدماتی یا آمادگی، مرحله انتقالی، مرحله نهایی.

دوره مرحله مقدماتی آماده شدن ترکیه برای ورود به مرحله انتقالی، نباید کمتر از پنج یا بیشتر از یازده سال طول بکشد. لذا می‌توان گفت در حالت عادی مرحله

مقدماتی شامل سال‌های ۶۹-۱۹۶۴ بوده است.^(۳۷)

موافقتنامه آنکارا علاوه بر تعیین قواعدی در خصوص حرکت آزاد کالاها، خدمات و غیره، هماهنگ‌سازی تدریجی سیاست‌های اقتصادی طرفین و اعطای تسهیلاتی را از سوی جامعه به ترکیه جهت کمک به توسعه اقتصادی و گذار از مرحله مقدماتی پیش‌بینی نمود. در مقدمه موافقتنامه مزبور چنین آمده است: «دو طرف تصمیم به انعقاد این موافقتنامه گرفته‌اند، با علم به این مطلب که حمایت جامعه اقتصادی اروپا از تلاش‌های مردم ترکیه جهت بهبود استاندارد زندگی خود، ورود ترکیه به جامعه در تاریخ بعدی را تسهیل می‌نماید».

ترکیه این موافقتنامه را با هدف نهایی عضویت کامل در آینده امضا کرد و جامعه به منظور تسهیل این امر، تعهدات مختلفی را به طور یک‌جانبه، به عهده گرفت. ترکیه طی مرحله مقدماتی هیچ وظایفی را عهده‌دار نگردید. اما جامعه موافقت نمود از طریق ارائه تسهیلات مالی و تجاری به طور یک‌جانبه به توسعه اقتصادی ترکیه کمک کند. دولتمردان ترکیه مدعی هستند این دوره زودتر از آنچه در موافقتنامه آنکارا پیش‌بینی شده بود، تکمیل شد.^(۳۸) موافقتنامه آنکارا شامل سه عنوان، ۲۳ ماده و نیز پروتکل ضمیمه است. اصول حاکم بر مشارکت ترکیه و جامعه اروپا، ذیل اولین عنوان موافقتنامه مذکور آمده است.

با تکمیل مرحله مقدماتی در ۱۹۶۹ (پنج سال پس از آغاز اجرای موافقتنامه آنکارا)، مذاکرات بین طرفین آغاز و در نوامبر ۱۹۷۰ منجر به امضای پروتکل ضمیمه شد که ناظر به شرایط و وظایف طرفین در مرحله انتقالی بود. این پروتکل از اول ژانویه ۱۹۷۳ به اجرا گذاشته شد. بنابراین با امضا و اجرای پروتکل ضمیمه، دوره مرحله انتقالی برای ترکیه آغاز شد.^(۳۹)

پروتکل ضمیمه اقداماتی را که باید طی مرحله انتقالی از ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۰ (زودترین تاریخ) یا ۱۹۹۵ (دیرترین تاریخ) توسط طرفین اتخاذ می‌شد، تعیین نموده است. هدف اصلی پروتکل الحاقی عبارت بود از حذف تدریجی تعرفه‌ها و سایر موانع تجارت آزاد بین ترکیه و جامعه اروپا. اهداف عمده پروتکل را می‌توان در سه گروه خلاصه نمود:

۱. تأسیس تدریجی اتحادیه گمرکی بین طرفین تا پایان سال ۱۹۹۵ میلادی؛

۲. اصلاحات جدید در بخش‌های کشاورزی، صنعتی و خدمات، به منظور یکسان‌سازی آنها با جامعه اروپایی؛

۳. حرکت آزاد نیروی کار.

پروتکل یادشده شامل ۶۴ ماده، ۶ ضمیمه، یک پروتکل مالی و یک موافقتنامه در خصوص محصولات است که در قلمرو جامعه ذغال و فولاد اروپا قرار می‌گیرند.

در ۲۴ ژانویه ۱۹۸۰ ترکیه سیاست اقتصادی خود را از مدل جایگزینی واردات^۱ به مدل اقتصاد بازار تغییر داد. پس از این تحول در ناحیه اقتصادی و انجام انتخابات آزاد احزاب مختلف در سال ۱۹۸۳، روابط ترکیه و جامعه اقتصادی اروپا که بعد از دخالت نظامیان ترکیه در حکومت و انجام کودتا در سال ۱۹۸۰ رو به سردی نهاده بود، به روابط معمولی و خوب گذشته بازگشت. در سایه این تحولات، در سال ۱۹۸۷ ترکیه با توجه به ماده ۲۳۷ معاهده جامعه اقتصادی اروپا که هر کشور اروپایی را دارای حق درخواست عضویت در آن جامعه دانسته بود، درخواست عضویت کامل خود را تقدیم نمود. در دسامبر ۱۹۸۹ کمیسیون اروپایی شایستگی ترکیه را برای عضویت تأیید نمود اما اظهار نظر در خصوص تقاضای عضویت کامل ترکیه را به تعویق انداخت.^(۴۰) به عبارت دیگر، در پاسخ به درخواست ترکیه در سال ۱۹۸۹ کمیسیون اروپا تصریح نمود جامعه اروپا در پی تحقق بازار واحد است و مسئله توسعه [جغرافیایی] فقط در پایان سال ۱۹۹۲ می‌تواند مطرح شود.

به دنبال پایان جنگ سرد، کشورهای اروپای مرکزی و شرقی متوجه اتحادیه اروپا شدند. سران دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در نشست کپنهاگ در سال ۱۹۹۳ برای کشورهایی که خواهان عضویت در اتحادیه اروپایی بودند، معیارهایی موسوم به معیارهای کپنهاگ تدوین کردند. بر اساس این معیارها، اقتصاد بازار، سیستم دموکراتیک مبتنی بر رعایت حقوق اقلیت‌ها، حقوق بشر و داشتن ظرفیت لازم برای تحقق تعهدات اتحادیه اروپا به عنوان شرایط جدید عضویت تعیین گردید.^(۴۱)

ج - معیارهای لازم جهت عضویت

در سال ۱۹۹۳ در نشست شورای اروپایی کپنهاگ، اعضا در جهت پیشبرد توسعه، تصمیمی اتخاذ نمودند و آن عبارت بود از اینکه کشورهای همکار در مرکز و شرق اروپا که مایل به عضویت هستند، می‌توانند وارد اتحادیه اروپایی شوند. بنابراین تصمیم گسترش اتحادیه، دیگر موضوعی تلقی نمی‌شد که بر سر انجام یا عدم انجام آن بحث شود؛ موضوع اصلی، بحث بر سر زمان انجام آن بود. همچنین در این نشست، شورای اروپایی تصمیم مشخص و واضحی را ارائه نمود. مبنی بر اینکه: «الحاق در اتحادیه اروپایی برای یک متقاضی عضویتی که بتواند شرایط لازم عضویت را قبول کرده و به حد مطلوب وضعیت اقتصادی و سیاسی برسد، به زودی محقق خواهد شد.»^(۴۲)

در همان زمان اعضای اتحادیه معیارهایی را برای عضویت طراحی و تدوین نمودند که اغلب به عنوان معیارهای کپنهاگ از آن یاد می‌شود. مطابق معیارهای کپنهاگ، اعضای اتحادیه اروپایی کشورهایی را متقاضی عضویت می‌دانند که به موارد ذیل نائل شده باشند:

الف - شرایط سیاسی: کشورهای متقاضی باید نهادهای باثباتی را ایجاد کنند که تضمین‌کننده دموکراسی، حکومت قانون و رعایت حقوق بشر باشد و به حقوق اقلیت‌ها احترام بگذارد؛

ب - شرایط اقتصادی - وجود اقتصاد بازار پویا و کارآمد و هماهنگ با اتحادیه اروپا و داشتن توانایی لازم برای رقابت با نیروهای بازار در اتحادیه اروپایی؛

ج - کشورهای متقاضی توانایی لازم برای برآورد تعهدات ناشی از عضویت و تبعیت اهداف سیاسی، اقتصادی و مالی و پولی را داشته باشند.^(۴۳)

د - وجود شرایط ادغام در اتحادیه از طریق تنظیم ساختارهای اداری به نحوی که قوانین اتحادیه مقدم بر قوانین ملی آن کشور شود و این رویه به شکل مؤثری از طریق ساختارهای مناسب اداری و قضایی صورت گیرد.^(۴۴)

همچنین لازم به ذکر است، کشورهای متقاضی باید در جزئیات بالغ بر ۳۱ شرط و معیار را که انجام اصلاحات در همه زمینه‌ها و بخش‌ها را شامل می‌شود، برآورده نمایند تا بتوانند به این اتحادیه ملحق شوند.^(۴۵)

د - گزارش‌های ادواری (منظم)^۱

پس از انتشار نظرات کمیسیون در مورد روند عضویت کشورهای متقاضی در سال ۱۹۹۷، کمیسیون گزارشی را در خصوص چگونگی میزان انجام‌پذیری روند عضویت هر کشور تسلیم شورای اروپایی کرد. این گزارش‌ها به عنوان پایه و اساس تصمیم‌گیری شورا برای هدایت مذاکرات با کشورها یا حتی تسری آن به دیگر کشورهای متقاضی بر اساس معیارهای الحاق درآمد. کمیسیون اولین سری از این گزارش‌ها را که کشورهای اروپای مرکزی، قبرس و ترکیه را دربرمی‌گرفت، در نوامبر ۱۹۹۸ تسلیم شورا نمود.

■ نشست لوگزامبورگ^۲

در نشست سران اتحادیه اروپایی در لوگزامبورگ در دسامبر ۱۹۹۷، صرفاً وضعیت کاندیداتوری را به ترکیه اعطا نموده و آن را مورد تأیید رسمی قرار دادند. علاوه بر آن، نکات ذیل نیز مورد توجه آن نشست قرار گرفت:

- ❖ قابلیت ترکیه برای عضویت در اتحادیه مجدداً مورد تأیید قرار گرفت.
- ❖ استراتژی اتحادیه اروپایی در قبال درخواست عضویت ترکیه مشخص گردد و سازوکاری جهت مطالعه تحولات رخ داده در آن کشور ایجاد شود.
- ❖ تحولات روابط اتحادیه اروپایی و ترکیه به صورت موردی در موضوعات اقتصادی، سیاسی و سیاست خارجی مورد بررسی قرار گیرد.
- ❖ ترکیه به عنوان عضوی که در مرحله قبل از الحاق است، به کنفرانس اروپا دعوت شد.
- ❖ کمیسیون درخواست نمود طرحی مناسب جهت جامع نمودن روابط ترکیه با اتحادیه اروپایی تهیه شود.

با توجه به تحولات و اقداماتی که ترکیه در جهت الحاق به اتحادیه اروپایی انجام داده بود و مطابق با موافقتنامه آنکارا در مرحله سوم و نهایه قرار داشت، در طول برگزاری این اجلاس انتظار داشت اتحادیه عضویت کامل این کشور را بپذیرد.

لیکن با تصمیمات مذکور، آنکارا خشمگین شد و روابطش با اتحادیه اروپایی رو به سردی نهاد. دولت ترکیه از رفتار اتحادیه انتقاد نمود و اعلام کرد منظور ترکیه در عضویت کامل مود توجه قرار نگرفته و توسعه روابط بستگی به نوع رفتار اتحادیه اروپایی دارد و تا زمانی که اتحادیه دست از این نوع برخورد با ترکیه برندارد، هیچ گفت‌وگویی در این خصوص انجام نخواهد شد.^(۴۶) در همین راستا نیز در جلسه افتتاحیه کنفرانس اروپایی در ۱۹۹۸ در لندن شرکت نکرد. ترکیه در این زمان به دنبال تغییر رفتار اروپا برای خروج از این وضعیت مشکل بود.

■ نشست هلسینکی^۱

شورای اروپایی^۲ در دسامبر ۱۹۹۹ در هلسینکی فصل جدیدی از روابط ترکیه و اتحادیه را باز کرد. در نشست هلسینکی ترکیه رسماً به عنوان کاندیدایی شناسایی شد که دارای حق ورود برابر و بدون پیش‌شرط همانند دیگر کشورها باشد. در ضمن ریاست شورای اروپایی هلسینکی، گزارش تهیه‌شده توسط کمیسیون در خصوص ترکیه در سال ۱۹۹۹ را مورد تأیید قرار داد. بنابراین ترکیه نیز همانند دیگر کشورهای اروپایی که متقاضی عضویت بودند، برای حمایت و انجام اصلاحات از استراتژی پیش از الحاق^۳ از سوی اتحادیه اروپایی منتفع گردید. این موضوع همچنین شامل یک برنامه مشارکت برای الحاق^۴ نیز می‌شد. ترکیه همانند دیگر کشورهای متقاضی عضویت، در برنامه‌ها مشارکت خواهد جست. در نشست‌هایی که بین دولت‌های متقاضی عضویت و اتحادیه اروپایی در چهارچوب روند الحاق تشکیل خواهد شد، از این کشور نیز دعوت به عمل می‌آید. همچنین یک چهارچوب خاص برای همیاری و کمک‌های مالی اتحادیه اروپایی در مرحله قبل از الحاق این کشور ایجاد خواهد شد.^(۴۷) در نیمه دوم سال ۱۹۹۹ روابط دوجانبه که از آغاز تاکنون در حوزه سیاسی و اقتصادی سیر می‌کرد، بُعد امنیتی و دفاعی نیز پیدا کرد.^(۴۸)

1. The Helsinki Summit
2. The European Council
3. Pre-Accession Strategy
4. Accession Partnership

با تصمیمات نشست هلسینکی، روابط ترکیه با اتحادیه اروپایی را رو به گرمی نهاد. کمیسیون اتحادیه اروپایی شروع به تهیه و آماده‌سازی یک برنامه مشارکت جهت الحاق نمود که این چهارچوب در مارس ۲۰۰۱ به وسیله اتحادیه اروپایی تأیید گردید. دولت ترکیه نیز همزمان برنامه ملی خود را جهت پیگیری روند ورود به اتحادیه آماده و تبیین کرد.

پیرو این تحولات، شورای مشارکت ترکیه و اتحادیه شروع به برگزاری نشست‌های منظم نمودند. شورای مشارکت سه بار در آوریل و ژوئن ۲۰۰۱ و آوریل ۲۰۰۲ در لوگزامبورگ تشکیل جلسه داد. در جلسه آوریل ۲۰۰۱ شورا تصمیم به ایجاد ۸ کمیته فرعی جهت تحلیل و بررسی چگونگی هماهنگی و تطابق قوانین ترکیه با قوانین ورود به اتحادیه اروپایی گرفت.

مهم‌ترین اقدامی که در این بین انجام می‌گیرد، بازبینی در قانون اساسی ترکیه است. به نحوی که ۳۴ ماده از مواد قانون اساسی در سال ۲۰۰۱ ترمیم شد. این اصلاحات سطح وسیعی از موضوعات تعمیم حقوق بشر، تقویت قانون‌مداری و بازسازی نهادهای دموکراتیک را دربرمی‌گیرد. پارلمان ترکیه نیز در همین زمان در سه مرحله به اصلاح قوانین داخلی و مدنی پرداخت.^(۴۹)

پس از این مرحله، شورای اروپایی در نشست دسامبر ۲۰۰۱ خود در شهر لاکن^۱ بلژیک، نکات مهمی را در روابط ترکیه و اتحادیه اروپایی خاطر نشان کرد و آن امکان شروع مذاکرات الحاق بین طرفین بود. این موضوع برای اولین بار بود که در بالاترین سطح مورد توجه قرار گرفت.

تصمیم مهم دیگر این بود که ترکیه، برابر با دیگر کشورهای متقاضی عضویت در اتحادیه می‌توانست در تعیین آینده اروپا مشارکت داشته باشد.

این تصمیم مهم وضعیت الحاق ترکیه را چند گام رو به جلو برد، به طوری که از این منظر، ترکیه عضوی از آینده اروپا محسوب می‌شد. تصمیمات شورای لاکن بلژیک موجب مسرت دولتمردان ترکیه شد و آنها را در برداشتن گام‌های بعدی مصمم‌تر کرد.

نشست بعدی شورای اروپایی در ژوئن ۲۰۰۲ در سویل^۱ نیز برای ترکیه ثمراتی داشت. این نشست، اصلاحات ترکیه را تحسین نموده و اعلام کرد تصمیمات جدید در خصوص این کشور در نشست آتی شورای اروپایی در دسامبر ۲۰۰۲ در کپنهاگ دانمارک در پرتوی گزارش کمیسیون اروپایی اتخاذ خواهد شد.^(۵۰)

■ نشست کپنهاگ

در اجلاس شورای اروپایی کپنهاگ^۲ در دسامبر ۲۰۰۲، در خصوص توسعه اتحادیه اروپایی تصمیمات مهمی گرفته شد. این تصمیمات عبارت بود از الحاق ۱۰ کشور اروپایی متقاضی عضویت در اتحادیه در می ۲۰۰۴. آن ۱۰ کشور عبارتند از: مجارستان، لهستان، جمهوری چک، استونی، لیتوانی، لتونی، مالت، قبرس، اسلونی و اسلواکی. در خصوص دو کشور بلغارستان و رومانی نیز شورای اروپایی، سال ۲۰۰۷ را تاریخ الحاق آنها به اتحادیه در نظر گرفت.

در مورد ترکیه نیز شورای اروپایی اعلام کرد، با توجه به گزارش ارائه شده توسط کمیسیون اروپایی، این شورا تصمیم گرفت در دسامبر ۲۰۰۴ در صورتی که ترکیه ضوابط سیاسی اجلاس کپنهاگ^۳ را اجرا نموده باشد، اتحادیه اروپایی بدون معطلی و تأخیر مذاکرات با این کشور را آغاز کند.^(۵۱)

بدین ترتیب مجدداً بحث عضویت کامل ترکیه در اتحادیه به تأخیر افتاد و باعث ناخشنودی مقامات آنکارا شد.

۳. اتحادیه اروپا، ترکیه و حقوق اقلیتها

بدون شک یکی از مهم ترین مسائلی که دولتمردان ترک از دیرباز با آن درگیر بوده و هستند، مسئله کردهاست که از آن به عنوان بزرگ ترین مسئله امنیت داخلی ترکیه یاد می کنند. اما چرا باید وجود کردها به صورت یک معضل امنیتی در ترکیه مطرح شود؟ پاسخ را می توان در دو مسیر جست و جو کرد. یکی از ریشه های عمده پیدایش این معضل امنیتی را باید هویت زدایی قومی از کردها دانست که از آغاز

1. Seville
2. The Copenhagen European Council
3. The Copenhagen Political Criteria

تشکیل جمهوری ترکیه دنبال شد، و دومین ریشه را باید عدم توسعه‌یافتگی و عمران مناطق کردنشین ترکیه دانست.

با پایان جنگ جهانی اول و تحمیل قرارداد سور^۱ در ۱۹۲۰ به امپراتوری عثمانی، متفقین در کنار تقسیم بخش‌های اروپایی، افریقایی و عربی این امپراتوری شکست‌خورده تصمیماتی در خصوص تشکیل دولت کردی اتخاذ کردند که این امر با امضای قرارداد لوزان (۱۹۲۳) و انتقال قدرت از عثمانی به حکومت جدید ترکیه به رهبری کمال آتاتورک به منزلهٔ بطلان امیدها برای تشکیل دولت کردی تلقی شد. این آغاز دوره‌ای از تاریخ در ترکیه نوین بود که با ایدئولوژی کمالیسم اداره می‌شد. اصول این ایدئولوژی عبارتند از: ناسیونالیسم ترک، جدایی دین از سیاست، دولت‌گرایی، جمهوری‌خواهی، مردم‌باوری و اصلاح‌گرایی. نتیجهٔ اجرای چنین اصولی چیزی نبود مگر سرکوب هرچه تمامتر هویت قومیت‌های ترکیه بالاخص کردها نظیر سرکوب قیام شیخ سعید (۱۹۲۵)، شورش آارات (۱۹۲۷)، شورش درسیم (۱۹۳۷).

با مرگ آتاتورک در سال ۱۹۳۸ به عنوان رهبری کاریزماتیک و تلاش ترکیه برای پذیرفته شدن به اردوگاه غرب، فضای سیاسی بازی در ترکیه ایجاد شد و حزب دموکرات به عنوان رقیبی مقابل حزب دولتی جمهوری‌خواه خلق که از ۱۹۲۳ تا ۱۹۴۶ قدرت را در دست داشت، مطرح گردید. با توجه به فضای باز سیاسی و تلاش حزب دموکرات در دهه ۵۰ برای جذب آرای مناطق کردنشین، اوضاع آرام‌تر شده و «رؤسای قبایل، بی‌ها، بیگ‌ها و شیوخ به شهرها کوچ کرده به تأسیس کمپانی، عمده‌فروشی، زمین‌داری و سهامداری پرداختند. فرزندان اینها که در مدارس ترک و کالج‌های امریکایی تعلیم یافتند بعدها پرچمدار مبارزاتی شدند که به «شرق‌گرایی» شهرت یافت و هدف از آن مساعد کردن زمینه برای تحولات اقتصادی و پیشرفت در شرق بود».^(۵۲) آنان با خبر دادن از فاصله اقتصادی بین مناطق شرق و غرب ترکیه سعی داشتند خود را سیاسی جلوه ندهند. اما با طرح مسائلی مانند کمبود بیمارستان و جاده و مدرسه، سکوت دهه ۴۰ را می‌شکستند.

شرق‌گرایان که در دسامبر ۱۹۵۸ روزنامه‌ای به نام «میهن پیشرفته»^۱ پخش می‌کردند در دسامبر ۱۹۵۹ با مخالفت پلیس سیاسی ترکیه و کابینه مندرس نخست‌وزیر (از حزب دموکرات) مواجه و همگی دستگیر شدند. این اقدام بدین ترتیب محدودیت‌ها و تنگناهای دموکراسی ترکیه را برای اقلیت کرد در آن کشور نمایان ساخت. با کودتای ۱۹۶۰ ژنرال کمال گورسل به نام نجات دموکراسی و اعاده اصول انقلابی کمالیسم، تمام این فعالیت‌ها ناکام ماند.

از این رو نقض ابتدایی‌ترین حقوق کردها در ترکیه مورد اعتراض محافل بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفته است. در همین راستا تضاد میان تصویری که ترکیه خواهان ترسیم آن است و چیزی که حقیقت دارد، در موضع‌گیری‌های سیاسی دولت آنکارا در متعهد بودن به کنوانسیون‌های متعدد در خصوص حقوق بشر وجود دارد. ترکیه، جزء امضاکنندگان کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ملزم به رعایت مواد آن است اما دقیقاً برخلاف کنوانسیونی که خود امضا کرده، حرکت نموده است. ماده ۹ «کنوانسیون اروپایی برای حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی» عنوان می‌دارد: «حق آزادی مذهب، وجدان و اندیشه هم می‌تواند به طوری فردی اعمال شود و هم در جمع با دیگران مورد استفاده قرار گیرد و اعمال گردد (اشتراک داوطلبانه)». نمونه بارز تخطی ترکیه از ماده ۹، نادیده گرفتن حقوق اقلیتی بزرگ مانند کردها در این کشور است.^(۵۳) به گونه‌ای که منتقدان حقوق بشر در ترکیه تمرکز خود را بیشتر به موارد زیر متوجه ساخته‌اند:

۱. شکنجه و مرگ‌های مشکوک زندانیان بازداشت‌شده و محبوس؛
۲. ناپدید ساختن و کشتارهای غیرقانونی سیاست‌مداران مخالف و طرفداران حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و ملی‌گرایان کرد؛
۳. متخلفان از نظر حکومتی نسبت به آزادی‌های بیان، مطبوعات و انجمن‌ها؛
۴. تکذیب و انکار فرایند حقوقی اشخاص؛ حقوقی که تحت صلاحیت و حوزه قضایی دادگاه‌های امنیتی دولت و قلمرو حیاتی و حساس دولت قرار می‌گیرند؛

1. Ileri Yurt

۵. کشتار شهروندان گُردی و تخریب روستاهای کردنشین در جنوب و جنوب شرقی ترکیه به دست نظامیان ترک؛

۶. جلوگیری از شکل‌گیری اجتماعات فرهنگی کردها و ممانعت از اعمال و اظهارات فرهنگی آنان.^(۵۴)

حضور میلیونی کردها و همچنین ترک‌ها در اروپا سبب شد آنان اروپا را «جبهه دوم» خود بخوانند. وجود میلیون‌ها کرد در اروپا و به‌خصوص در کشورهای چوَن آلمان و سوئد و جوامع اسکاندیناوی موجب شد افکار عمومی اروپا به میزان زیادی در جریان تحولات مناطق کردنشین ترکیه قرار گیرند و مستقیماً با جنبه‌های مختلف این بحران در تماس باشند. کردها به دلیل فضای باز سیاسی موجود در اروپا به فعالیت‌های تبلیغاتی گسترده‌ای دست می‌زنند. برگزاری راهپیمایی‌های گسترده چندصدهزار نفری، اعتصابات، تحصن در مقابل دفاتر و نمایندگی سازمان ملل و سازمان‌های مدافع حقوق بشر و پخش اخبار و رویدادهای مربوط به سرکوبی کردها از رسانه‌های ارتباط جمعی اروپا، موجب شد مردم اروپا تا اندازه‌ی زیادی با مسائل این مناطق ترکیه آشنا شده و در سطح وسیعی به ابراز همدردی با کردها بپردازند و همین امر اهرم فشاری است بر دولت‌های اروپایی که حداقل به صورت لفظی، ترکیه را ترغیب به رعایت حقوق بشر کند.^(۵۵)

اتحادیه اروپا و کشورهای عضو ارکان مختلف وابسته به آن نسبت به بحران موجود در مناطق کردنشین ترکیه، تاکنون بیشترین حساسیت را به خرج داده است. روابط گسترده تجاری، اقتصادی و سیاسی بین ترکیه و اتحادیه اروپا و همچنین عضویت ترکیه در شورای اروپا که اعضای آن متعهد شده‌اند از نقض حقوق بشر پرهیز کرده و مشکلات مربوط به اقلیت‌های قومی را از طریق مسالمت‌آمیز حل کنند، باعث شده بحران موجود در مناطق کردنشین ترکیه تنش‌هایی را در روابط اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن با ترکیه ایجاد کند.^(۵۶)

اتحادیه اروپا از ترکیه می‌خواهد کردها را به عنوان یک اقلیت به رسمیت بشناسد و به آنها حقوقی را اعطا کند که تضمین‌کننده توانایی آنها برای ابراز و حفظ زبان و فرهنگ خودشان از جمله حقوق رسانه‌ای و مدارس کردی باشد.^(۵۷) اتحادیه اروپا همچنین از ترکیه انتقاد می‌کند که معیارهای کپنهاگ در زمینه حمایت از

اقلیت‌ها را برای اقلیت کرد روا نداشته است.

در واقع اتحادیه اروپا از ترکیه می‌خواهد هرگونه تبصره‌های قانونی را که استفاده از زبان مادری شهروندان ترکیه را در برنامه‌های رادیو و تلویزیونی ممنوع می‌کند، از میان بردارد، به وضعیت اضطراری در جنوب شرقی ترکیه پایان دهد و به حقوق فرهنگی کلیه شهروندانش بدون توجه به ریشه نژادی آنها، در آموزش و سایر عرصه‌ها احترام بگذارد. اما ترکیه بر این پندار است که نیازی نیست به مردم دارای ریشه نژادی متفاوت در این کشور حقوق اقلیت اعطا کرد، مگر در مواردی که در معاهده لوزان ذکر شده است. ترکیه بر وجود گروه‌های نژادی از جمله کردها اذعان دارد، اما از قائل شدن وضعیت حقوقی یک اقلیت به آنها دریغ می‌ورزد. بر مبنای نگرش ترک‌ها تمام گروه‌های نژادی این کشور به اتفاق هم ملت ترکیه را می‌سازند و شهروندان درجه اولی محسوب می‌شوند که از حقوق برابر برخوردارند.^(۵۸)

الف - از زمان درخواست عضویت تا اجلاس هلسینکی

پارلمان اروپا در اغلب قطعنامه‌های خود از ۱۹۸۷ به بعد یعنی از زمان درخواست عضویت ترکیه، اعطای حقوق به کردها از جمله به رسمیت شناخته شدن حقوق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کردها را به عنوان راه‌حل این مسئله پیشنهاد می‌کرد. درخواست آنها از ترکیه این بود که مسئله کردها را از راه‌های سیاسی با احترام کامل به حقوق بشر و حاکمیت قانون در یک جامعه دموکراتیک و در هماهنگی کامل با تعهدات ترکیه به عنوان عضوی از شورای اروپا، حل و فصل کند. کشورهای عضو در خصوص قضیه کردها از فشار فزاینده آنها که خواهان اعمال فشار اروپا بر ترکیه بودند، آسیب‌پذیر و پاسخگو نشان داده‌اند. در همین راستا جامعه کردها تلاش‌های خود را جهت برجسته ساختن مسئله کردها در چهارچوب روابط اتحادیه اروپا و ترکیه در خلال تکمیل اتحادیه گمرکی شدت بخشید.^(۵۹)

پارلمان اروپا در ۱۹۸۸ قطعنامه‌ای صادر کرد که از ترکیه می‌خواست حقوق اساسی اقلیت کرد را به رسمیت بشناسد و از کمیسیون و شورا خواست تا فشار بیشتری بر ترکیه وارد آورند که حقوق این اقلیت را به رسمیت بشناسد. این

قطعه‌نامه نشان می‌داد مسئله کردها می‌رود تا به عنوان یک موضوع سیاسی مهم در روابط اتحادیه اروپا و ترکیه ظاهر شود.^(۶۰) به همین دلیل دولت تحت رهبری اوزال تحت فشار اروپا و به عنوان بخشی از ابتکار عمل حل موانع حقوق بشر در روابط با غرب، برای اولین بار و به طور رسمی به معضل کردها اعتراف کرد (۱۹۹۱). محدودیت‌های فرهنگی کردها کاهش داده شد و آنها مجاز شدند تا آشکارا به لهجه کردی تکلم کنند و سال جدید و سنتی کردی را جشن بگیرند. به‌رغم این مساعدت‌های دولتی، مسئله کردها به تدریج مبدل به یک معضل سیاسی و همزمان، مستمسکی برای بسیاری از ادعاهای نقض حقوق بشر در ترکیه گردید. شورای اروپا در مارس ۱۹۹۲ گزارش کمیته حقوق بشر مبنی بر موارد نقض حقوق اولیه انسان‌ها توسط دولت ترکیه در نواحی کردنشین را منتشر ساخت.

در نشست «اسن» در دسامبر ۱۹۹۴ این شورا اعلامیه‌ای را منتشر کرد که در آن زندانی شدن نمایندگان حزب دموکراسی هوادار کردها، محکوم شده بود. وزیر امور خارجه آلمان، کلاوس کینکل، در مقام رئیس وقت اتحادیه اروپا بیان داشت اگر ترکیه خواهان اتحادیه گمرکی است، نباید با هر چیزی که اروپا حامی و پشتیبان آن است با سردی برخورد کند. به همین خاطر در نشست شورای همکاری ترکیه و اتحادیه اروپا در اکتبر ۱۹۹۴، وزرای اتحادیه اروپا به همتای خود، مراد کارایالچین گفتند از رفتار ترکیه در قبال کردهای این کشور و نقض حقوق بشر نگران هستند. آنها از ترکیه خواستند پیش از امضای اتحادیه گمرکی در این زمینه بهبودهایی نشان دهد.^(۶۱)

در ۶ ژوئن ۱۹۹۵، کمیسیون امنیت و همکاری اروپا از رئیس مجمع حقوق بشر ترکیه، اکین بیردال درباره امکان مذاکره جدی بین ترک‌ها و کردها سؤال کرد، او اظهار داشت: «اگر می‌خواهید دموکراسی داشته باشید، چنین مذاکراتی لازم است، ولی در ترکیه دموکراسی نیست».^(۶۲) و این‌گونه شد که در دسامبر ۱۹۹۵ در زمان امضای موافقتنامه اتحادیه گمرکی بین ترکیه و اتحادیه اروپا، مسئله کردها جزء چهار شرط اصلی موافقتنامه قرار گرفت و در همین راستا بود که یلماز نخست‌وزیر وقت ترکیه در آوریل قصد جدی خود جهت حل مسئله کردها را با ارائه یک طرح شش‌ماده‌ای اعلام کرد، مفاد این طرح عبارت بودند از:

۱) لغو وضعیت اضطراری؛ ۲) بازگشت آوارگان به موطن؛ ۳) تسریع در اجرای طرح توسعه مناطق جنوب شرقی آناتولی؛ ۴) تشویق بانک توسعه ترکی به سرمایه‌گذاری در مناطق مذکور؛ ۵) گسترش شبکه حمل‌ونقل به مناطق جنوب شرقی؛ ۶) برگزاری گردهمایی شورای وزیران در دیار بکر جهت تنظیم طرح سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی در مناطق جنوب شرقی.^(۶۳)

در همین اوضاع و احوال، دولتمردان ترکیه پس از ماه‌ها تعقیب و گریز سرانجام توانستند عبدالله اوجالان را در ۱۶ فوریه ۱۹۹۹ در کنیا دستگیر کنند. محافل و مقام‌های سیاسی آنکارا از این حادثه به عنوان بزرگ‌ترین پیروزی سیاسی یاد کردند و *بلند اجویت*، همانند قهرمان جنگ‌های بزرگ با سرور و خوشحالی تمام پس از گذشت چند ساعت از دستگیری اوجالان در برابر دوربین‌های رسانه‌های جهانی ظاهر شد و این رویداد را به حاکمان لائیک تبریک گفت.^(۶۴)

ب - واکنش اتحادیه اروپا به دستگیری اوجالان

دستگیری اوجالان همراه با گسترش اعتراضات و آتش سوزی‌ها در پایتخت کشورهای عضو اتحادیه اروپایی بود که منجر به واکنش اروپا در رویارویی با این مسئله شد. به طوری که شورای اروپا از مقام‌های ترکیه خواست اطمینان دهند رفتار با اوجالان و تسلیم وی به دادگاه به طور کامل مطابق پیمان اروپایی حقوق بشر خواهد بود.^(۶۵) در همین راستا دولت ایتالیا تهدید کرد در صورت اعدام اوجالان، اروپا بلافاصله ترکیه را طرد خواهد کرد. همچنین *گرهارد شرودر*، صدراعظم پیشین آلمان، از دولت ترکیه خواست محاکمه منصفانه‌ای را برای اوجالان تضمین کند. وی در بیانیه‌اش اعلام داشت: «از دولت ترکیه می‌خواهم محاکمه عادلانه‌ای را برای اوجالان تضمین کند که با عرف و قوانین اروپایی مطابقت داشته باشد و در دادگاه مستقلی صورت گیرد».^(۶۶) وزیر امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در پایان نشست خود درباره دستگیری اوجالان در ۲۲ فوریه ۱۹۹۹ از دولت آنکارا خواستند با محاکمه عادلانه وی در دادگاهی بی‌طرف و با حضور ناظران بین‌المللی موافقت کند. *یوشکا فیشر* وزیر پیشین امور خارجه آلمان نیز قبل از اجلاس سران اتحادیه اروپایی در هلسینکی به مقامات آنکارا گوشزد کرد «زنده نگهداشتن اوجالان

به تحقق هدف ترکیه مبنی بر پیوستن به اتحادیه اروپایی کمک خواهد کرد.»^(۶۷)

ج - اصلاحات و تحولات جدید نسبت به اکراد از اجلاس هلسینکی به بعد

فرایند هلسینکی مسئله کردها را وارد مباحثات عمومی ترکیه کرد. به طوری که استفاده از زبان کردی در آموزش و پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی از آن هنگام به بعد بحث‌های عمومی بی سابقه‌ای را به‌ویژه در هنگام دیدار کمیسر اتحادیه اروپایی در ژوئیه ۲۰۰۰ دامن زده و دولت ترکیه هم بر آن شد تا مسئله کردها را در یک چهارچوب فرهنگی حل و فصل کند و به آنها حق ارتباط و انتشار به زبان کردی را اعطا کند.^(۶۸) به‌طور کلی، جهت‌گیری‌های پس از اجلاس سران اروپایی محکم‌تر شد و به‌ویژه در چهارچوب معیارهای کپنهاگ تمایل به تلقی مسئله کردها به عنوان مسئله مهم ترکیه در اروپا، قوی‌تر شده است.^(۶۹)

طرح مسئله لزوم پخش برنامه‌های رادیو - تلویزیونی به زبان کردی در سند مشارکت ۲۰۰۰ موجب بروز اختلاف میان طرفداران و مخالفان این خواسته اروپا در جامعه ترکیه و میان احزاب سیاسی این کشور شد. بلند اجویت رهبر حزب دموکرات چپ و نخست‌وزیر وقت ترکیه به بازنگری در قوانین ترکیه برای هموار کردن راه پخش برنامه به زبان کردی چراغ سبز نشان داد.^(۷۰) در این زمینه مسعود یلماز معاون نخست‌وزیر نیز اظهار داشت ترکیه می‌تواند حاضر شود حقوق گسترده‌ای را به کردها در حوزه فرهنگی اعطا کند. دولت و ارتش در این نظر مشترک بودند که تلاش‌هایی باید صورت گیرد تا موانع سد راه پخش برنامه و آموزش به زبان کردی از میان برداشته شود. اظهارات مشابهی هم سال قبل انتشار یافته بود (۱۹۹۹)، برای مثال در پی تصمیم شورای هلسینکی، اسماعیل جم وزیر امور خارجه بیان کرده بود حقوق فرهنگی کردها باید به‌ویژه در عرصه زبان و پخش برنامه گسترده داده شود. او ممنوعیت پخش برنامه‌های کردی را مانعی بر سر راه دموکراسی و حقوق بشر خواند و اظهار داشت: هر که در ترکیه زندگی می‌کند باید حق پخش و اجرای برنامه به زبان مادری خود را داشته باشد.^(۷۱) اما از طرف دیگر حزب حرکت ملی، شریک دیگر دولت ائتلافی که از گرایش‌های ملی‌گرایی برخوردار است و طی چند سال (۱۵ سال) گذشته در صف مقدم مبارزه

با P.K.K و مخالفان کرد قرار داشته، به شدت با پخش برنامه به زبان کردی مخالف بود. به گفته عبدالخالق چای، وزیر مشاور در امور آسیای میانه ترکیه که عضو حرکت ملی است، حتی پیشنهاد تأسیس شبکه‌های رادیو - تلویزیونی به زبان کردی نیز خیانت است.

تحولات مهم و برجسته در روابط ترکیه و اتحادیه اروپایی طی سال ۲۰۰۰ از این قرار بودند: اعلام افزایش بودجه اتحادیه اروپا برای ترکیه به عنوان بخشی از «فرایند پیشا پیوستن»^۱ و انتشار گزارش منظم کمیسیون اروپا در خصوص پیشرفت به سوی دستیابی به اتحادیه اروپا.

حذف قانون مجازات اعدام یکی از پیش شرط‌های اصلی مندرج در فهرست شرایط عضویت بود که در تاریخ ۸ نوامبر ۲۰۰۰ تسلیم دولت ترکیه شد. در همین راستا دادگاه حقوق بشر اروپا در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۰ کار رسیدگی به تقاضای پژوهش وکلای مدافع اوجالان را در دستور کار خود قرار دادند.

این روند ادامه یافت تا اینکه در ماه اوت ۲۰۰۲ مجلس قوانینی تصویب کرد تا ترکیه با اتحادیه اروپا هماهنگ تر شود. در این قوانین مجازات اعدام لغو و حقوق فرهنگی بیشتری به کردها داده شد. مجازات اعدام اوجالان به حبس ابد کاهش یافت. لغو مجازات اعدام او پیام مهمی از سوی ترک‌ها برای اتحادیه اروپا در برداشت. در راه تحقق حقوق بشر در ترکیه تصویب ششمین رهنمود اصلاحاتی اتحادیه اروپا در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۲ منزلت خوبی بود. به کمک آن، قانون کشدار «تبلیغات برای تجزیه کشور» که سال‌های سال دستاویز سرکوب کردن اقلیت‌ها و مخالفین در ترکیه بود، لغو گردید.^(۳۲) همچنین ششمین لایحه معروف به لایحه عفو عمومی به طور اساسی به اعضای P.K.K که جانشین کادک است، توجه کرده و عفو مورد نظر این لایحه با هدف سالم‌سازی جامعه شامل همه نظامیانی می‌شود که در عملیات شرکت نداشته‌اند.^(۳۳)

سرانجام در پایان ژوئیه ۲۰۰۲ به درخواست اتحادیه اروپا، قانون وضعیت فوق‌العاده موسوم به OHAL در استان‌های حکاری و تونجلی و در پایان نوامبر در

1. Pre-Accession Process

استان‌های دیاربکر و شیرناک از میان برداشته شد.

۴. ارتقای حقوق فرهنگی اکراد ترکیه

همان‌طور که پیشتر گفته شد، قوم کُرد ترکیه در زمینه مذهب (سنی، علوی)، زبان (کرمانجی، زازا، سورانی) و خاستگاه قبیله‌ای متنوع هستند اما پس از ترک‌ها بزرگ‌ترین قومیت در این کشور را تشکیل می‌دهند.^(۷۴) کردها هرچند وجوه تشابهی با ترک‌ها دارند اما بر تفاوت‌هایشان نیز پافشاری می‌کنند. همچنین اشاره شد بعضی از کردها بیشتر بر حقوق فرهنگی خود پافشاری می‌کنند تا مسائل اقتصادی. به عقیده این دسته، کردها از لحاظ فرهنگی مطرود هستند و احقاق حقوق فرهنگی آنها برای بهبود اوضاع اقتصادی‌شان امری اجتناب‌ناپذیر است.^(۷۵)

به منظور بررسی تحول در حقوق فرهنگی (در اینجا با تأکید بر قوم کرد) شاخصه‌های آن را یک بار دیگر مرور می‌کنیم:

۱. حق حفاظت از زبان به عنوان نماد فرهنگ؛

۲. حق داشتن سنت‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت (در داخل چهارچوب

عمومی قانونی)؛

۳. برابری آموزشی (انتشار کتاب‌ها، مطبوعات، تأسیس مراکز علمی و پخش

برنامه‌های رادیویی - تلویزیونی به زبان هر قوم خاص)؛

۴. حق داشتن ارتباطات بین فرهنگی و بین‌المللی.^(۷۶)

به منظور ارائه شواهد بیشتر، به اصلاحات متعدد قوانین اساسی و چندین «اصلاحیه» قوانین در مجلس که پس از اجلاس هلسینکی به تصویب رسیده، اشاره می‌شود.

در دومین اصلاحیه و در راستای انطباق با قوانین اتحادیه اروپا (۲۰۰۲)، ضمن دشوارتر شدن شرایط تعطیلی احزاب، مفهوم «زبان ممنوع» از قانون مطبوعات حذف شد. البته قبل از حذف این مفهوم هم مطبوعات کُردی یا مطبوعات به دیگر زبان‌ها منتشر می‌شدند.^(۷۷)

جدول زیر آمار مربوط به کتاب‌های منتشر شده به زبان کردی طی سال‌های

۱۹۲۳ تا ۲۰۰۵ را نمایش می‌دهد.^(۷۸) (شاخصه اول).

تعداد کتب منتشره	سال
۶	۱۹۷۰-۱۹۷۳
۱	۱۹۷۱
-	۱۹۷۲-۱۹۷۴
۱	۱۹۷۵
۲	۱۹۷۶
۲	۱۹۷۷
۲	۱۹۷۸
۲	۱۹۷۹
-	۱۹۸۰-۱۹۸۹
۳	۱۹۹۰
۱۸	۱۹۹۱
۳۸	۱۹۹۲
۱۹	۱۹۹۳
۱۹	۱۹۹۴
۱۸	۱۹۹۵
۲۴	۱۹۹۶
۱۵	۱۹۹۷
۲۶	۱۹۹۸
۳۲	۱۹۹۹
۳۴	۲۰۰۰
۳۵	۲۰۰۱
۶۹	۲۰۰۲
۷۹	۲۰۰۳
۷۷	۲۰۰۴
۷۳	۲۰۰۵
۳۳	تعداد کتاب‌های منتشره که سال انتشارشان مشخص نیست.
۶۲۸	جمع کل

بر اساس نمایه فوق، از سال ۱۹۹۱ به بعد در ترکیه انتشار کتاب به زبان کردی رشد چشمگیری داشته به طوری که طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ تقریباً دو برابر شده

است. در حالی که مطابق جدول بعدی، سن ۳۷ نفر از سؤال‌شوندگان در تحقیق پیمایشی آقای مالمیسانیج که در سوئد از نویسندگان کردی پرسیده است، دربردارنده نکته جالبی است.^(۷۹)

تعداد (به نفر)	سنی که آنها یاد گرفته بودند به کردی نویسند
۴	۸-۱۰
۱۳	۱۱-۱۸
۲۰	۱۹-۳۵
۳۷	جمع کل

به عبارت دیگر، بیست نفر از پرسش‌شوندگان (یعنی بیش از نیمی از آنها) نوشتن به زبان کردی (زبان مادری‌شان) را در سنین ۱۹-۳۵ سالگی آموخته بودند. از سوی دیگر، در سال ۲۰۰۰ بیشتر از ۴۰ ناشر کردی در ترکیه مستقر بودند که ۱۵ ناشر موفق به انتشار بیش از ۱۰ کتاب کردی شده بودند. در سال ۲۰۰۵ تعداد بنگاه‌های انتشاراتی مشغول به کار که حداقل یک کتاب به چاپ رسانده بودند، بالغ بر ۱۶ ناشر بود. از این تعداد ۱۲ نمونه از این انتشارات بر اساس جدول زیر در سال‌های ۱۹۷۴ تا ۲۰۰۵ تأسیس شده بودند.^(۸۰)

سال تأسیس	ناشر
۱۹۷۴	کومال
۱۹۸۹	دنگ
۱۹۹۰	دوز
۱۹۹۲	وشانان انستیتو کرد
۱۹۹۲	ناییحار
۱۹۹۵	اوستا
۱۹۹۷	پاری
۱۹۹۷	آرام
۲۰۰۲	الما
۲۰۰۳	وت
۲۰۰۴	لاز
۲۰۰۵	بار

طبق آمار فوق از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۲ یعنی طی ۱۸ سال فقط سه بنگاه انتشاراتی تأسیس یافته که به زبان کردی کتاب منتشر کرده‌اند اما طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۵ (زمان مورد پژوهش این پایان‌نامه) یعنی طی ۱۳ سال، ۹ بنگاه انتشاراتی تأسیس شده‌اند که رشد سه‌برابری را نشان می‌دهد.

نکته در خور توجه دیگر اینکه، در سال ۱۹۹۵ وزارت فرهنگ و توریسم ترکیه ۱۴۵۳ باب کتابخانه را تحت پوشش خود داشت که تعداد ۱۲۲۴ باب آنها عمومی بودند. بر اساس این آمار، ۲۰۹ باب از این کتابخانه‌های عمومی در ۲۲ استان که جمعیت غالب آنها کردی است واقع شده^(۸۱) که این یعنی ۱۷ درصد از کتابخانه‌های عمومی ترکیه؛ درحالی‌که جمعیت کردها ۲۰ درصد از کل جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهد و این رقم خوبی به شمار می‌آید. ضمن اینکه طبق جدول زیر درصد بیسوادی طی سال ۲۰۰۰ در ۲۲ استان کردنشین تا ۳۴ درصد نیز می‌رسد:^(۸۲)

درصد مردم بیسواد	برخی استان‌های کردنشین
۳۴	سیرناک
۳۳	آغری
۳۳	سیرت
۳۳	شان لیورفا
۳۲	وان
۳۱	دیاربکر
۳۱	موش
۲۹	باتمان
۲۹	حکاری
۲۹	ماردین
۲۸	بیتلیس
۲۷	بنگل
۲۵	ایگدیر
۲۰	آدی یامان
۱۹	تونجلی
۱۸	الازیگ

۱۷	قهرمان ماراش
۱۷	قارص
۱۶	ارضروم
۱۶	قاضیان تپ
۱۵	مالاتیا
۱۳	ارضین کن

بر اساس جدول فوق به طور میانگین درصد بیسوادی در مناطق کردنشین معادل ۲۴/۷۱ است که با توجه به جمعیت کردها در ترکیه و میانگین ۱۳ درصد بیسوادی در کل این کشور باز هم رقم قابل قبولی است. در تأیید این آمار می‌توان به اطلاعات جدول زیر نیز استناد کرد که بر اساس آن طی سال ۲۰۰۰، فارغ‌التحصیلان در مقطع ابتدایی در ترکیه ۳۵ درصد بوده‌اند در صورتی که در همین مقطع برای مناطق کردنشین این رقم به ۲۴/۷۱ می‌رسد که باز هم با توجه به جمعیت کردها که ۲۰ درصد از کل جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند، در خور تأمل است و نشان‌دهنده ارتقای حقوق فرهنگی این اقلیت قومی است: (۸۳)

استان‌های کردنشین	درصد افرادی که مقطع ابتدایی را تمام کرده‌اند
مالاتیا	۴۰
تونجلی	۳۹
قهرمان ماراش	۳۰
قارص	۲
دیاربکر	۲۷
ماردین	۲۷
باتمان	۲۶
بینگول	۲۶
سیرت	۲۵
موش	۲۳
وان	۲۳
شرناک	۲۲
شانلی‌ورفا	۲۲
آغری	۲۱

اساساً همان‌طور که در ابتدا اشاره شد ذهنیت و تفکر ناسیونالیستی «یک دولت، یک ملت و یک زبان» در طول هشتاد سال در قوانین و مقررات فراوانی ریشه دوانیده و لذا تغییر در یک قانون، بعضاً به معنای تغییر در یک رویه عام نیست بلکه نیازمند اصلاحیه در قوانین متعدد، آیین‌نامه‌ها و ضوابط اجرایی نیز هست مثلاً در مورد زبان‌های ممنوعه که در قانون اساسی پس از کودتای ۱۹۸۰ نیز گنجانده شده، در قوانین مربوط به رادیو و تلویزیون نیز به صورت «ممنوعیت پخش برنامه به زبان‌های غیرترکی» وجود داشت؛ در قانون احزاب ممنوعیت استفاده از زبان‌های غیرترکی وجود دارد، در قوانین انتشارات و نشر کتاب، قبل از دهه ۱۹۹۰ نیز همین ممنوعیت بود و در قوانین مدنی چون نامگذاری با اسامی گُردی و موارد زیاد دیگری منع‌های مشابهی وجود داشت. بنابراین با صرف لغو یا اصلاح یکی، همه موارد مذکور لغو و اصلاح نمی‌شوند و بدین لحاظ تغییر در تک‌تک آنها مستلزم زمان و تلاش همه دست‌اندرکاران است.^(۸۴)

در «اصلاحیه سوم» (تابستان ۲۰۰۲) مقرر شد موانع تملک اموال غیرمنقول برای اقلیت‌های غیرمسلمان مرتفع شد، مجازات اعدام لغو شد، مقررات مربوط به نشر به زبان مادری (یعنی زبان‌های غیرترکی) پیش‌بینی شد. (شاخصه سوم) همچنین مقرر شد در مواردی که دادگاه حقوق بشر اروپا علیه دولت ترکیه رأی می‌دهد محاکمه مجدد صورت گیرد، چراکه ترکیه پیشتر اولویت قوانین اروپایی بر قوانین داخلی را پذیرفته بود بدین لحاظ شهروندان ترکیه در صورتی که مدعی باشند حکم صادره علیه‌شان غیرعادلانه یا بر مبنای موازین حقوق بشر نبوده، می‌توانند به این محکمه شکایت کنند.^(۸۵)

در «اصلاحیه ششم» (۲۰۰۳) موانع قانونی پخش برنامه به زبان‌های غیرترکی در رادیو و تلویزیون رفع شد (شاخصه سوم). چگونگی اجرای این حقوق به بخشنامه‌ای موکول شد که شورای عالی رادیو و تلویزیون^۱ منتشر کرد. رادیو و تلویزیون دولتی TRT توانست مقدمات و امکانات لازم را ارائه کند و شرایط پخش برنامه‌های غیرترکی را داشته باشد و از سال ۲۰۰۴ به پخش برنامه‌های مزبور اقدام

کرده است. لازم به ذکر است، کانال سوم رادیو و تلویزیون دولتی ترکیه (TRT) به پخش برنامه‌های محلی توجه داشته و در هفته برنامه‌هایی به زبان کردی تولید و پخش می‌کند. طبق مصوبه شورای عالی رادیو و تلویزیون ترکیه مقرر شد تا پایان ژانویه ۲۰۰۶ حدود ده تلویزیون اجازه پخش برنامه کردی داشته باشند.^(۸۶) (شاخصه سوم)

با تغییر و اصلاح قانون سجل و ثبت احوال، راه اسم‌گذاری به زبان‌های محلی و کردی هموار شد (شاخصه اول). اما در این راه نیز موانعی وجود دارد؛ مطابق قانون، آن دسته از اسامی چنانچه حروفشان در زبان ترکی وجود نداشته باشد نمی‌توانند انتخاب و ثبت شوند و لذا اسامی دارای حروفی چون Q, W, X که از صداها شایع در زبان کردی‌اند، مشکل‌ساز شده‌اند؛ گزارش‌های متعددی از عدم ثبت اسامی و تغییر نام‌هایی چون Kawa, Welat - Xezal و نظایر آنها وجود دارد.^(۸۷)

با تغییراتی که در قانون انجمن‌ها^۱ به عمل آمد، تأسیس انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی^۲ تسهیل و مقرر شد این سازمان‌ها برای تحقق اهداف خود بتوانند شعباتی در خارج از کشور دایر کنند و با سازمان‌های بین‌المللی و خارجی همکاری کنند.^(۸۸)

همچنین بر اساس قانون جدید، شرایط برگزاری تجمعات، تظاهرات، کنفرانس‌های مطبوعاتی و سمینارها تسهیل شد. این امر شرایط و جایگاه حقوقی مؤسساتی چون انستیتو کردستانبول را که از پانزده سال پیش فعال است و به‌رغم مغایرت اسم آن با قوانین موجود، با اغماض مقامات فعالیت کرده است، تقویت و تحکیم می‌کند. (شاخصه چهارم)^(۸۹)

آزادی تأسیس مراکز علمی و اجتماعی (مدنی) برای اهداف قومی نظیر انستیتو کرد در استانبول و بنگاه‌های انتشاراتی متعدد حاکی از پذیرش آزادی‌های قومی ولو به صورت محدود و دوفاکتوست.^(۹۰)

برای مثال بخش رسانه‌های اتحادیه اروپا، جشنواره موسیقی و یک میزگرد

1. Dernekler
2. NGO's

درباره چندفرهنگ‌گرایی در روزهای ۲۵ الی ۲۷ می سال ۲۰۰۲ در دیاربکر - پایتخت غیررسمی کردنشین ترکیه - برگزار کرد. (شاخصه چهارم) همچنین برنامه جامعه مدنی که توسط ۱۷۵ انجمن جامعه مدنی تأسیس گردید، گزارشی در حمایت از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا انتشار داد. بسیاری از مؤسسات حرفه‌ای، سازمان‌های کارگری، انجمن معلولان، طرفداران محیط زیست، چاپ‌گرایان، راست‌گرایان، سازمان‌های مطبوعاتی و دانشگاهیان در زمره این ۱۷۵ سازمان غیردولتی قرار داشتند.^(۹۱)

در آخرین تحول می‌توان به برگزاری سمیناری چهارروزه در مورد کردها و اوضاع آنها در ترکیه اشاره کرد که شهرداری دیاربکر از برگزارکنندگان آن بود.^(۹۲)

اصلاح انجام‌شده در قوانین مربوط به آزادی بیان، از مؤثرترین اصلاحات به حساب می‌آیند؛ با تغییر ماده هشت قانون مبارزه با تروریسم (تبلیغات علیه یکپارچگی سرزمینی دولت) مجرمانی که به موجب آن محکوم شده بودند، آزاد شدند و با تغییرات در قوانین و مقررات محاکم امنیت دولت^۱، ۲۲۰۴ نفر حکم برائت گرفتند. در اوایل سال ۲۰۰۴ حدود ۵۸۰۰ نفر در ارتباط با جرایم مربوط با تروریسم دستگیر شده‌اند که این رقم در سال ۲۰۰۰ حدود ۸۶۵۰، در سال ۲۰۰۱ حدود ۸۳۰۰، در سال ۲۰۰۲ حدود ۷۷۵۰ و در سال ۲۰۰۳ حدود ۶۱۴۰ نفر بوده است.

این ارقام توأمان از سیری نزولی و عمق بحران در این کشور و مسئله‌گرد حکایت دارند.

پیشرفت روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا

به‌رغم تلاش‌های ترکیه در انجام اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و رایزنی‌های سیاسی دولت آنکارا، سرانجام سران اتحادیه اروپا در اجلاس کپنهاگ (۲۰۰۲) عضویت این کشور را بار دیگر به بهبود وضعیت حقوق بشر و تطبیق قوانین آن کشور با منشور اروپا مشروط و آغاز گفت‌وگوهای این کشور با اتحادیه اروپا را به دو سال بعد (۲۰۰۴) موکول کردند. در گزارش ادواری کمیسیون در سال

1. DGM

۲۰۰۳ و ارزیابی که از تحولات ترکیه در زمینه‌های سیاسی انجام گرفته آمده است: «دولت ترکیه عزم و قاطعیت فراوانی را در تسریع گام‌های اصلاحات نشان داده که تغییرات دامنه‌داری را در سیستم سیاسی و حقوقی پدید آورد. همچنین گام‌های مهمی برای تضمین اجرای مؤثر آنها برداشته تا به شهروندان ترکیه امکان دهد از آزادی‌های بنیادین و حقوق بشر هم‌تراز با استانداردهای اروپا بهره‌مند شوند. چهار دسته اصلاحات سیاسی عمده در پیش گرفته شده‌اند و تغییراتی را در عرصه‌های مختلف قانون‌گذاری ایجاد کرده است. برخی از این اصلاحات از اهمیت سیاسی فراوانی برخوردارند، چراکه بر موضوعات حساسی در ساختار ترکیه نظیر آزادی بیان، آزادی تظاهرات، حقوق فرهنگی و سلطه غیرنظامیان بر ارتش تأثیر می‌گذارند. در همین راستا، وظایف، اختیارات و عملکرد شورای امنیت ملی به طور قابل توجهی اصلاح شده که این امر ساختار روابط ارتش و غیرنظامیان را به ساختار اتحادیه اروپا نزدیک ساخته است».^(۹۳)

«مبارزه علیه شکنجه و بدرفتاری قوت گرفته و نظام حقوقی ترکیه در این زمینه به استانداردهای اروپا نزدیک‌تر شده است... پیشرفت‌های قابل توجهی در عرصه آزادی تظاهرات و تجمع مسالمت‌آمیز حاصل شده و محدودیت‌هایی در این عرصه‌ها از میان برداشته شده‌اند.»^(۹۴) این کمیسیون در پایان تصریح کرده: «ترکیه باید موضوعات برجسته و عمده‌ای را که در این گزارش مورد تأکید قرار گرفته‌اند، مورد توجه قرار دهد و توجه ویژه‌ای نسبت به تقویت استقلال و کارکرد قوه قضائیه، ساختار کلی اجرای آزادی‌های بیان (آزادی تشکیل انجمن، آزادی بیان و آزادی مذهبی)، هم‌تراز کردن روابط نظامیان و غیرنظامیان با استانداردهای اروپا، وضعیت جنوب شرق و حقوق فرهنگی، مبذول دارد، ترکیه باید اجرای کامل و مؤثر اصلاحات را تضمین کند تا اطمینان حاصل شود که شهروندان ترکیه می‌توانند از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین در مسیر موازی استانداردهای اروپا برخوردار شوند. به علاوه، ترکیه باید بر حمایت قاطع خود از تلاش برای دستیابی به راه‌حل جامع مسئله قبرس، تأکید کند.»^(۹۵)

بنابراین گرچه طبق ارزیابی اخیر کمیسیون اروپایی، جمهوری ترکیه در ابعاد مختلف پیشرفت‌هایی را به دست آورد اما در مجموع، همچنان باید برای رسیدن

به استانداردهای اتحادیه اروپا در تمام زمینه‌ها، اصلاحات را عمق بیشتری بخشید. بدین ترتیب، این مسئله سبب شد مقامات ترکیه واکنش نشان دهند، به طوری که عبدالله گل وزیر امور خارجه پیشین ترکیه که خواهان آغاز گفت‌وگوهای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۳ بود، پس از آنکه این اتحادیه آغاز گفت‌وگوها را به سال ۲۰۰۴ موکول کرد، آن اتحادیه را به اعمال «تبعیض غیرقابل قبول» متهم نمود. گل گفت: «این تاریخی نیست که ما خواستار آن بودیم». وی افزود: «ترکیه همچون گذشته در مسیر انجام اصلاحات دموکراتیک، اقتصادی و حقوق بشر گام برخواهد داشت.»^(۹۶) بر این اساس دولت اردوغان با اتخاذ سیاست اصلاحات اقتصادی از جمله خصوصی‌سازی، تعامل بیشتر در روابط خارجی و همراهی با اقتصاد جهانی توانست در مدت ۵ سال به تقویت اقتصاد ترکیه پردازد و رضایت عمومی را جلب کند. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

❖ کنترل مؤثر تورم و تک‌رقمی نمودن آن (در سال ۲۰۰۴ به ۹/۳ درصد کاهش یافت که در ۳۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده)

❖ کاهش نرخ بیکاری تا ۱۰ درصد

❖ افزایش درآمد سرانه ملی ترکیه به حدود ۷۴۰۰ دلار

دولت اردوغان همچنین در عرصه داخلی و سیاست خارجی نیز اصلاحات و ابتکار عمل‌هایی داشته که از مهم‌ترین آنها در عرصه داخلی به ترتیب می‌توان به رعایت حقوق بشر و حق شهروندی، لغو مجازات اعدام، تأکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و دینی و لغو حالت فوق‌العاده در مناطق کردنشین ترکیه اشاره کرد و در سیاست خارجی از شروع مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا نام برد.^(۹۷)

نتیجه چنین اقداماتی این شد که در انتخابات اخیر ترکیه (۲۰۰۷)، در پارلمان جدید این کشور ۲۴ نماینده مستقل که از سوی کردها حمایت می‌شدند، حضور پیدا کردند. گرچه تا قبل از این تاریخ نیز کردها دارای نماینده در پارلمان ترکیه بودند اما قومیتشان در لوای هویت ترک آنها قرار می‌گرفت. به این ترتیب، از سال ۱۹۹۴ این اولین بار است که کردها، با هویت مستقل و عنوان حزبی کردی به

پارلمان راه یافته‌اند. از سوی دیگر، از نظر اروپا، ترکیه دموکراتیک تحت حکومت اسلام‌گراها بسیار بهتر از ترکیه‌ای است که قربانی پنجمین کودتای نظامی در ۶۰ سال گذشته باشد. بنابراین، پس از پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات اخیر، روزنامه تایمز چاپ لندن، انتخاب عبدالله گل به ریاست‌جمهوری ترکیه را پیروزی برای دموکراسی در این کشور عنوان کرد و نتیجه به‌دست‌آمده را بهترین نتیجه برای ترکیه و اروپا خواند.^(۹۸)

با انتخاب گل، راه برای انجام تغییر قانون اساسی که یکی از رویاهای دیرینه اکثریت مردم ترکیه است، نیز هموار شد. به نحوی که اردوغان در فردای پیروزی رئیس‌جمهور شدن عبدالله گل، به‌صراحت از تغییر قانون اساسی سخن گفت. در همین راستا دکتر ارگون اوزبودون به عنوان رئیس کمیته تنظیم پیش‌نویس قانون اساسی جدید ترکیه در حزب عدالت و توسعه، مهم‌ترین تغییرات را چنین بر شمرد:

❖ قانون اساسی جدید از ۱۸۶ بند به ۱۴۰ بند کاهش خواهد یافت و بندهای ضددموکراتیک آن حذف خواهد شد.

❖ زبان کردی و آموزش آن به عنوان دومین زبان کشور رسمیت می‌یابد.

❖ هر دوره از مجلس به جای ۵ سال، ۴ سال خواهد بود.

❖ دوران ریاست‌جمهوری از ۷ سال به ۵ سال کاهش می‌یابد.

❖ رئیس‌جمهور به طور مستقیم از سوی مردم برگزیده می‌شود.^(۹۹)

در انتخابات اخیر آرای حزب عدالت و توسعه در ۳۹ استان بیش از ۵۰ درصد کل آرا بود و توانسته بیشترین آرا را در برخی استان‌های کردنشین در جنوب شرقی ترکیه به خود اختصاص دهد.^(۱۰۰) بنابراین به نظر می‌رسد در فرایند همگرایی ترکیه با اتحادیه اروپا مکرراً وضع حقوق بشر در ترکیه، مسئله کردها (پشتیبانی و کمک جهت برپایی تدریس به زبان کردی و تأسیس مؤسسات لازم جهت انجام این کار) و پیشرفت‌های لازم در زمینه دموکراتیزاسیون پیش می‌آیند که پایه و اساس آن سند کپنهاگ مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۰ است.

نتیجه‌گیری

جمهوری ترکیه که وارث نهادها و روش‌های امپراتوری عثمانی در امر حکومتداری است، پس از استقرار در سال ۱۹۲۴ میلادی به منظور جلوگیری از تجزیه بیشتر، دست به انکار وجود قومیت‌ها و هویت آنها زد. این امر با اصول مربوط به ایدئولوژی کمالیسم ایجاد و توسط دولتمردان بعد از او استمرار یافت. در این میان ارتش نیز به عنوان بازوی اجرایی، در مواقع لزوم با انجام کودتا به تحکیم این اصول یاری می‌رساند. نتیجه این مسائل چیزی نبود مگر سکوب قیام‌ها و شورش‌های کردی از ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۷ که در پی رسیدن به حقوق و آزادی‌های خود به خصوص در عرصه فرهنگی به وجود آمدند. اما ترکیه با تمایل به سمت غرب و خاصه گرایش به اروپا در جهت دستیابی به مواهب اقتصادی آن دیار، دچار موقعیت پارادوکسیکال در داخل شد و در فرایند پیوستن به اتحادیه اروپایی با معیارهایی مواجه شد که از سویی برای تأمین نظر اروپایی‌ها باید به آن استانداردها دست پیدا می‌کرد و از سوی دیگر، در داخل و نسبت به اصول کمالیسم دچار استحاله می‌شد. به عبارت دیگر، در این رهیافت از نقش این اصول در عرصه داخلی و نقش ارتش و نظامیان به عنوان حامی اجرای این اصول کاسته شد.

در حال، ترکیه بر اساس دیدگاه دولتمردان خود که این کشور را جداشده از سرزمین اصلی خود می‌دانند به منظور بازگشت به آن، به معیارها و دستورالعمل‌های اتحادیه عمل نموده که نتیجه عینی آن از سویی مهار جنبش جدایی طلب کردی و از سوی دیگر، ارتقا و تحول در حقوق مدنی اقلیت‌های قومی به خصوص کردها بوده است. به عنوان مثال، به دلیل فشارهای اتحادیه، عبدالله اوجالان تنها رهبر کردی است که پس از دستگیری اعدام نشد و حکم وی به حبس ابد تقلیل یافته است.

بنابراین بر اساس قاعده تسری یا پیشروی افقی - عمودی موجود در تئوری کارکردگرایی که از مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای پدیدار می‌شوند، سبب شد تا همکاری‌های اقتصادی ترکیه با اروپا به همکاری و هماهنگ‌سازی در حوزه فرهنگی با آن اتحادیه منجر شود که این امر سبب

تصویب چند اصلاحیه توسط ترکیه در زمینه‌های مرتبط با حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شده است. به عنوان مثالی دیگر، اصلاح مواد ۲۶، ۲۷ و ۲۸ قانون اساسی ترکیه مبنی بر ممنوعیت استفاده از زبانی غیر از زبان ترکی در بیان و گسترش تفکر، انتشار نشریات و ممنوعیت تشکیل هرگونه حزب سیاسی که در توسعه زبان یا فرهنگ غیرترکی مؤثر باشد (که در سال ۱۹۸۲ با رفراندوم به تصویب رسیده بود) در سال ۲۰۰۲ ملغی شد.

این نمونه‌ها و سایر مواردی که در سطور بالا نیز به آن اشاره شد، گویای تحول در حقوق فرهنگی کردهای ترکیه بین سال‌های ۹۱ تا ۲۰۰۲ میلادی است. این مطلب در سایه همگرایی ترکیه نسبت به اتحادیه اروپا، مبنی بر قرابت جغرافیایی و تمایل بهره‌مندی این کشور از حوزه اقتصادی در تعاملات با اتحادیه در حوزه مزبور به دست آمده است. *

پی‌نوشت‌ها

۱. محمدعلی قاسمی، مدیریت بحران قومی در ترکیه؛ با تأکید بر مورد پ.کا.کا»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، صص ۶-۵.
۲. کامیل کریمیان، دکترین کمالیسم و حرکت‌های ناسیونالیستی کردها در ترکیه، ۱۳۸۰، (تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، ص ۱.
3. Michael Rubin, "Are Kurds a Pariah Minority", in: *Social Research*, Vol. 4, Spring 2003, P. 324.
۴. احمد محمدی، آثار پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲، (تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه)، ص ۳.
۵. مهدی ذاکریان امیری، «فرایند اتحاد اروپا»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، تابستان ۱۳۷۸، شماره ۱۰، صص ۹۰-۸۷.
6. www.europa.eu.int/comm/enlargement/report2003/strategy_en.pdf
۷. احمد محمدی، پیشین، ص ۴.
۸. کامیل کریمیان، دکترین کمالیسم و حرکت‌های ناسیونالیستی کردها در ترکیه، ۱۳۸۰، (تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران).
۹. محمدعلی قاسمی، پیشین.
۱۰. میرقاسم بنی‌هاشمی، «رژیم‌های جهانی و تحول جایگاه جنبش‌های قومی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۱۰۸-۸۹.
۱۱. زهرا نوع‌پرست، «ترکیه و اتحادیه اروپا: دودستگی آراء»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۱۳۸۳ سال نوزدهم، شماره ۲۱۰-۲۰۹، صص ۹۳-۷۸.
۱۲. جواد انصاری، ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه، تهران: مؤسسه چاپ و انتشار وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
۱۳. رابرت اولسون، مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه، ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانید، ۱۳۸۳.
14. Nigar Karimova and Edward Deverell, *Minorities in Turkey*, Stockholm: Published by Utrikespolitiska Institutet The Swedish Institute of International Affairs, 2001.

15. David Shankland, *The Alevis in Turkey: The Emergence of a Secular Islamic Tradition*, London, NewYork: Routledge Curzon, 2003.

16. Michael Rubin, *Ibid*.

17. Murat Somer, "Ethnic Kurd: Endogenous Identities, and Turkey's Democratization and Integration with Europe", in *The Global Review of Ethno Politics*, Vol. 1, No. 4, June 2002

18. Michael Radu, *The Rise and Fall of the PKK*, Philadelphia: Foreign Policy Research Institute, 2001.

19. Amikam Nachmani, *Turkey: Facing a New Millenium*, Manchester & NewYork: Manchester University Press, 2003.

20. Subidey Togan & V. N. Balasubramanyam, *Turkey and Central and Eastern European Countries in Transition: Towards Membership of the EU*, NewYork: Palgrave MacMillan, 2001.

۲۱. کارل دویچ و دیگران، *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، مترجم: وحید بزرگی، ج ۲، (تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵)، صص ۹۴-۸۹۲.

۲۲. جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، مترجم: علیرضا طیب و وحید بزرگی، ج ۲، چ ۲، (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۶)، صص ۶۷-۶۶۶.

۲۳. کارل دویچ و دیگران، *پیشین*، صص ۹۵-۸۹۴.

۲۴. قدیر نصری، «مؤلفه‌ها و موانع همگرایی در منطقه خلیج فارس»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، زمستان ۷۷، شماره ۴، صص ۷۱-۷۲.

۲۵. استفان کاستلز و آلیستر دیویدسون، *مهاجرت و شهروندی*، مترجم: فرامرز تقی‌لو، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲)، صص ۲۱۱-۲۱۵.

۲۶. مارتین، لینور. جی، *چهره جدید امنیت در خاور میانه*، مترجم: قدیر نصری، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳)، ص ۲۱۷.

۲۷. همان، ص ۲۱۸.

۲۸. همان، ص ۲۳۷.

۲۹. استفان کاستلز و دیگران، *پیشین*، ص ۲۶۳.

۳۰. عبدالرضا بایمانی، «بررسی عوامل اساسی همگرایی و واگرایی در منطقه دریای خزر (۱۹۹۹-۱۹۹۱)»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شهریور ۱۳۸۰، ص ۳۰.

۳۱. *روزنامه اطلاعات*، ۷۸/۳/۱۴، ص ۱۲.

۳۲. *روزنامه همشهری*، ۷۳/۴/۲۸، ص ۱۳.

۳۳. صابر قاسمی، *ترکیه (کتاب سبز)*، چاپ اول، (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات

وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴)، ص ۱۱.

۳۴. همان، ص ۲۶.

۳۵. مارتین لینور. جی، پیشین، ص ۲۹۴.
۳۶. داود کریم‌لو، «بررسی روابط ترکیه و جامعه اروپایی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، زمستان ۱۳۷۲، شماره ۴، سال هفتم، ص ۹۷۸.
37. Zuhul Yesilyart Gündüz, *Turkey's Approach towards the EU: Views from within*, 1987, P. 188. available at: www.sam.gov.tr/perception/Volume8/september
38. Ali Bozer, "Turkey's Relations and Prospects with the European Community", *Turkish Review, Quarterly Digest*, Vol. 2, No. 8, Summer 1987, P. 10.
۳۹. محمدرضا سلامت، *روابط ترکیه با بازار مشترک اروپا*، رساله ارتقای مقام، (تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰)، ص ۱۶.
40. "Relations between Turkey and the European Union", 2005, P. 2: available at: AndEu/EuHistory.htm. www.mfa.gov.tr/MFA/ForeignPolicy/MainIssues/Turkey
۴۱. عرفان کایا اولگر، «ساختار امنیتی اتحادیه اروپا و ترکیه»، مترجم: جلیل یعقوب‌زاده فرد، *پژوهشکده مطالعات راهبردی*، مرداد، ۱۳۸۴، ص ۲۳.
42. http://www.europa.eu.int/comm/enlargement/report2003/strategy_en.pdf
۴۳. حسن عسگری، «گسترش اتحادیه اروپا به منطقه قفقاز جنوبی: رؤیا یا واقعیت»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۵۰، ص ۱۱۳.
44. "Towards the Enlarged union", *Commission of the European communities*, Brussels, 2002, P. 8.
۴۵. حسن عسگری، پیشین، ص ۱۱۴.
46. "Relations between Turkey and the European union", *Op. cit*, P. 6.
47. *Ibid*.
۴۸. عرفان کایا اولگر، پیشین، ص ۲۴.
49. "Turkey-Eu Relations (Post Helsinki Phase)", *Ministry of Foreign Affairs of Turkey*, 2003, P. 1.
۵۰. احمد محمدی، پیشین، ص ۶۰.
51. "Turkey-Eu Relations (Post Helsinki Phase)", *Op. cit*, P. 3.
۵۲. وانلی کندال، *کردستان ترکیه*، مترجم: نامیق صفی‌زاده، (تهران: نشر نذیر، ۱۳۷۹)، صص ۲۱-۱۲۰.
۵۳. بهزاد شاهنده، «تأملی در خصوص ترکیه و مسائل ساختاری و قومی آن»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، پاییز ۱۳۸۰، سال هشتم، شماره ۳، ص ۶۳.
54. Michael M. Gunter, *The Kurd: and the Future of Turkey*, (New York: Martin's Press, 1997), PP. 12-13.

۵۵. بنوار الیما، آخرین مستعمره، بحران کردستان ترکیه از آغاز تاکنون، (تهران: انتشارات پژوهنده، ۱۳۷۸)، ص ۱۳۴.

۵۶. هنری جی بارکی، «بحران اکراد ترکیه»، *روزنامه ابرار*، ۷۳/۹/۱۶، قسمت دهم، ص ۴.

57. Paul kubicek, "The Earthquake, the European Union and Political Reform in Turkey", *Mediterranean Politics*, Vol. 7, spring, 2002, No. 7.

58. Harun Arikan, "A Lost Opportunity? A Critique of the EU's Humam Rights Policy Toward Turkey", *Mediterranean Politics*, Vol. 7, No. 1, spring, 2002, P. 35.

59. *Ibid*, P. 34.

60. *Ibid*, P. 29.

61. *Ibid*, P. 35.

۶۲. فولر و دیگران، «ژئوپلیتیک جدید ترکیه: از منطقه بالکان تا چین غربی»، مترجم: ڈره میرحیدر، *فصلنامه خاورمیانه*، پاییز ۱۳۷۴، سال دوم، شماره ۳، ص ۷۹۸.

63. Vittorio, Sanguinetti, "Turkey and the European Uion: Dreaming West but Moving East", *Mediterranean Quarterly*, winter, 1997, P. 20.

۶۴. «دستگیری اوجالان، آغاز یک بحران بزرگ»، *روزنامه ایران*، ۲۸ بهمن، ۱۳۷۷، ص ۲۱.

۶۵. «به دنبال دستگیری اوجالان: رویارویی کردهای خشمگین و دولت‌های اروپایی ابعاد خونینی یافت»، *روزنامه ایران*، ۲۹ بهمن ۱۳۷۷، ص ۱۹.

۶۶. «واکنش‌های بین المللی نسبت به بازداشت اوجالان»، *روزنامه سلام*، ۲۹ بهمن ۱۳۷۷، ص ۱۵.

۶۷. م. امیری، «دولت جدید ترکیه: بیم‌ها و امیدها»، *ترجمان اقتصادی*، ۷۸/۵/۲۸، سال دوم، شماره ۱۴، ص ۱۲.

68. Harun Arikan, "A Lost Opportunity? A Critique of the EU's Humam Rights Policy Toward Turkey", *Mediterranean Politics*, Vol. 7, No. 1, spring, 2002, P. 43.

۶۹. احمد داوود اوغلو، *استراتژی منطقه‌ای ترکیه*، مترجم: سید عباس هاشمی، (تهران: سپیده، ۱۳۸۱)، صص ۱۱۶-۱۱۷.

۷۰. «تنش‌های سیاسی ترکیه در سنگلاخ پیوستن به اتحادیه اروپا»، *روزنامه کیهان*، ۱۳۷۹/۹/۲۴، ص ۱۶.

71. Chris Rumford, "Failing the EU Test? Turkey's National Programme, EU Candidature and the Complexities of Democratic Reform", *Mediterranean Politics*, Vol. 7, No. 1, spring, 2002, P. 56.

72. <http://www.mellimazhabi.org/tarjomeh.03112003beheshti.htm>.

73. Seda Ciftci, "Reforming for Europe", *Turkey Upate*, 4 Agust 2003,

- available at: <http://www.ciaonet.org/pbei/csis/ttu/tu030804.pdf>
74. *Op.cit*, P. 218.
75. *Op.cit*, P. 218.
76. استفان کاستلز و آلیستر دیویدسون، پیشین، ص ۲۶۳.
77. <http://www.khrp.org/documents/turkish/legalreview2.pdf>65.
78. M. Malmisanij, *The Past and The Present of Book Publishing in Kurdish Language in Turkey*, (Next Page Foundation, 2006), PP. 21-22.
79. *Ibid*, P. 11.
80. *Ibid*, PP. 26-27.
81. *Ibid*, P. 40.
82. *Ibid*, P. 37-38.
83. *Ibid*, P. 38-39.
84. <http://www.khrp.org/documents/turkish/legalreview2.pdf>65.
85. *Ibid*
86. FARKLI DİL VE LEHÇELERDE YAYIN YÖNETMELİĞİ... (F D L Y Y available online at: <http://www.belgenet.com/yasa/k4928-y1.html>
87. Valilere genelge: Yasak isim diye bir şey olmaz (V g Y i d b ş o) available online at: <http://www.radikal.com.tr/haber.php?haberno=89736>
88. Sezer'den Dernekler Yasası'na onay (S D Y o) available online at: <http://www.hukuki.net/haber/index.asp?id=472>
89. <http://www.enstituyakurdi.org> 76
۹۰. محمدعلی قاسمی، پیشین، ص ۱۴.
۹۱. گیلز دورونسورو، «اتحادیه اروپا و ترکیه: بین ژئوپلیتیک و مهندسی اجتماعی»، مترجم: نادر پوراخوندی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، شماره ۲-۲-۱-۲۱۸-۸۳-۲-۱۵-۱۴.
۹۲. محمدعلی قاسمی، پیشین، ص ۲۱.
93. *2003 Regular Report on Turkey's Progress towards Accession*, P. 43. available at: http://europa.eu.int/comm/enlargement/report_2003/pdf/rt_tk_final.pdf.
94. *Ibid*, P. 44.
95. *Ibid*, P. 45.
۹۶. «ترکیه و انتظار بی پایان برای ورود به اتحادیه اروپا»، *انتخاب*، چهارشنبه ۴ دی ماه، ۱۳۸۱، شماره ۱۰۶۱، ص ۷.
۹۷. محمود واعظی، «علل پیروزی اسلام‌گرایان در ترکیه و پیامدهای آن»، *همشهری دیپلماتیک*، نیمه شهریور ۱۳۸۶، سال دوم، شماره هفدهم، ص ۵.
۹۸. نیلوفر قدیری، «آغاز دوران جدید در تاریخ ترکیه»، *همشهری دیپلماتیک*، نیمه

شهریور ۱۳۸۶، سال دوم، شماره هفدهم، ص ۹.
۹۹. علی اصغر محمدی، «تأثیر ریاست‌جمهوری گل بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی
ترکیه»، همشهری دیپلماتیک، نیمه شهریور ۱۳۸۶، سال دوم، شماره هفدهم، ص ۳.
۱۰۰. محمود واعظی، پیشین.